

الزامات نظام قضایی در زمینه حقوق و آزادی‌های متهمان در مرحله دادسرا

قاسم کرامت^۱

محمدجعفر حبیب‌زاده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۰۲

چکیده

در دوران نه چندان دور، حاکمان و فرمانروایان در تعامل با زندانیان اعم از متهمان و مجرمان، خود را محدود به هیچ ضابطه‌ای نمی‌دانستند و برای افراد در بند، هیچ گونه حقی قائل نبودند و ایجاد بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها به صورت سیاه چال، برای مرگ تدریجی افراد بازداشتی بود. با گذشت زمان و پیدایش اندیشه‌های مترقی و ظهور اندیشمندان بشردوست و نیز پیشرفت علوم از جمله پیدایش علم جرم‌شناسی، نگاه به متهم و مجرم دگرگون شد و هدف از اعمال مجازات به کلی تغییر یافت. در سایه این تغییر نگرش، متهمان از وضعیت مشقت بار و ظالمانه‌ای که حقوقشان را پایمال می‌کرد، رهایی یافتند و برای دوران بازداشت، صاحب حقوق و برخوردار از امتیازاتی گردیدند. در این مقاله به منظور تعیین موضع دقیق نظام حقوقی ایران نسبت به رعایت اصل کرامت ذاتی انسان از طریق حفظ و حمایت از حقوق و آزادی‌های متهمان به بررسی الزامات نظام قضایی در این زمینه در مرحله دادسرا می‌پردازیم.

کلید واژه‌ها: آزادی‌های اساسی، الزامات نظام قضایی، حقوق متهم، دادسرا

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام) ghasemkaramat@gmail.com

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس habibzam@modares.ac.ir

۱ - مقدمه

در دوران باستان، برای متهمان و مجرمان هیچ گونه حقی قائل نبودند. بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها به صورت سیاه چال برای مرگ تدریجی افراد بازداشتی ایجاد می‌شد، سرنوشت متهم و مجرم به طور کامل در اختیار حاکم و قاضی قرار داشت و هر گونه که او اراده می‌کرد با آن‌ها رفتار می‌شد و کسی اجازه و حق اعتراض نداشت (صفاری، ۱۳۸۶: ۴۷ و دانش، ۱۳۷۶: ۲۰، ۴۷ و بولک، ۱۳۸۵: ۴۵-۳۶). این وضعیت تا اواخر قرون وسطی نیز ادامه داشت. با گذشت زمان و پیدایش اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه و انسان‌دوستانه و نیز پیشرفت علوم از جمله پیدایش علم جرم‌شناسی، نگاه به متهم و مجرم متحول شد و با حقوق بشری شدن حقوق کیفری و شناسایی اصل کرامت ذاتی انسان برای تمامی اینای بشر، فلسفه مجازات‌ها و هدف از اجرای آن‌ها تغییر یافت؛ به گونه‌ای که جنبه انتقام‌گیری در برخورد با متهم و اعمال مجازات، رنگ باخت و اصلاح، تربیت، و باز پروری مجرم، به عنوان فلسفه و هدف اصلی از مجازات مطرح شد. از نخستین ره‌پویان این مسیر در جهان غرب، جان مبیون^۱ بود که با انتشار کتاب «تأملاتی پیرامون زندان‌های فرقه‌های مذهبی» در سال ۱۶۹۰ میلادی، تلاش کرد بین رحمت و حقوق کیفری ارتباط برقرار کند. مهم‌ترین پیام او، بازسازی اجتماعی محکوم، به معنای امروزی کلمه است (پرادل، ۱۳۸۱: ۲۷). در این راستا باید از متفکران و نویسندگان دیگری چون توماس هابز^۲، جان لاک^۳، روسو^۴، منتسکیو^۵ و کانت^۶ نام برد که با بیان اندیشه‌های بشردوستانه خود، مکتب حقوق طبیعی را بنا نهادند. اندیشه‌ها و اصول اساسی این مکتب در زمینه شناسایی کرامت ذاتی انسان باعث گردید ارزش‌هایی چون آزادی و شکوفایی استعدادهای نهفته در طبیعت انسان، اهمیت پیدا کند و انسان در این راستا صاحب حق شناخته شود. تحت تأثیر این آورده‌ها و آثار منتشره توسط بزرگان دیگری چون سزار بکاریا^۷، متهمان و مجرمان از وضعیت مشقت بار و ظالمانه‌رهای یافتند. در اسناد بین‌المللی و قوانین کشورهای مختلف، لزوم رعایت فرض بی‌گناهی^۸ تا زمان محکومیت قطعی متهم توسط دادگاه صالح و با رعایت موازین عادلانه، مورد تأکید قرار گرفت. مجرم به سان بیماری نیازمند یاری و کمک، مورد توجه واقع شد. در همین راستا و با پذیرش حق بهره‌مندی متهمان از فرض برائت، تلاش گردید به جز در موارد ضروری و استثنایی، متهم بتواند همانند سایر اعضای جامعه از حقوق قانونی برخوردار شود و به منظور جلوگیری از تعدی و تجاوز به حقوق او، قدرت و اختیارات مقامات قضایی و مجریان، محدود و مقید به ضوابطی شود تا آن‌ها نتوانند از موقعیت برتر خویش به ضرر متهم سوء استفاده کنند.

1. John mebyon
2. Thomas Hobbes
3. John Locke
4. Rousseau
5. Montesquieu
6. Kant
7. Casare Beccaria
8. Presumption of Innocence

امروزه توسعه مفاهیم و معیارهای حقوق بشری و رعایت تدابیر و تضمین‌های آن در دادرسی‌های کیفری از آشکارترین نشانه‌های مدنیت در جوامع انسانی و از بارزترین شاخص‌های توسعه حقوقی محسوب می‌شود. تکریم مقام و تعظیم شأن و شخصیت انبای بشر مستلزم رعایت این گونه معیارها و تدابیر و تضمین‌ها است (امیدی، ۱۳۷۹: ۱۴۲). مفاهیم و معیارهای حقوق بشر در فرایند دادرسی‌های کیفری، نسبت به سایر بخش‌ها نقش مهم‌تری دارند. ضرورت قانونمندی در محدود کردن حقوق و آزادی‌های فردی که از پایه‌های نظری و سیاسی آیین دادرسی کیفری به شمار می‌رود، در قسمت دوم ماده ۱۱ و بخش دوم ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تاکید قرار گرفته است و این موضوع را می‌توان نقطه آغازین فرآیند جهانی شدن حقوق کیفری قلمداد کرد. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، مصوبه سازمان ملل متحد در خصوص حداقل قواعد استاندارد نحوه رفتار با زندانیان (۱۹۵۵)، کنوانسیون منع شکنجه، رفتار یا مجازات خشن، غیر انسانی یا تحقیرکننده (۱۹۸۴)، مجموعه اصول برای حمایت همه افراد در هرگونه بازداشت یا زندان (۱۹۸۸)، از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی موجود در این خصوص است. از میان اسناد مزبور، گذشته از اعلامیه جهانی حقوق بشر که به دلیل پذیرش جهانی و تبدیل شدن آن به عرف بین‌المللی، از قدرت اجرایی و قابلیت استناد نسبت به تمامی دولت‌ها برخوردار است، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در ایران دارای اعتبار قانونی است؛ زیرا در سال ۱۳۵۴ بدون قید و شرط، به تصویب مجلس قانون‌گذاری رسیده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به منظور عمل به احکام دین مبین اسلام، در راستای اسناد یادشده و هم سو با تحولات جهانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برخی قوانین عادی، نظیر قانون مجازات اسلامی و قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳)، مقرراتی در حمایت از حقوق تمامی شهروندان از جمله متهمان پیش بینی و وضع گردید؛ لیکن وجود نقص و ابهام در بعضی از قوانین و مقررات، در کنار برخی شیوه‌های خاص رفتاری و گونه‌هایی از مشکلات ساختاری، موضع نظام حقوقی ایران را در این زمینه دچار ابهام ساخته است. در این پژوهش که با توجه به ماهیت موضوع، با استفاده از روش توصیفی تحلیلی تهیه شده، تلاش بر این است که با بررسی و مطالعه الزامات نظام قضایی در زمینه رعایت حقوق و آزادی‌های متهمان در مرحله دادسرا که از مراحل تعیین‌کننده و مهم فرایند دادرسی است، مقررات داخلی با مقررات لازم‌الاجرای بین‌المللی مورد تطبیق قرار گیرد و از این رهگذر ضمن مبادرت به تعیین موضع دقیق نظام حقوقی ایران نسبت به رعایت اصل کرامت ذاتی انسان از طریق حفظ و حمایت از حقوق و آزادی‌های متهمان، به سؤالات موجود در این زمینه پاسخ داده شود؛ مطابقت یا عدم مطابقت قوانین و مقررات داخلی با اسناد بین‌المللی، ظاهری و یا واقعی بودن مغایرت‌های قانونی و رفتاری، امکان و یا عدم امکان توجیه و رفع مغایرت‌ها و بالاخره کیفیت الزامات نظام قضایی و مصادیق حقوق و آزادی‌های متهمان در نظام حقوقی ایران از جمله این سؤالات است.

۲- الزامات مربوط به اصل آزادی و امنیت شخصی

دقت و تأمل در مقدمه و مواد مختلف منشور سازمان ملل متحد به ویژه بند ب ماده ۱۳، بیانگر این واقعیت است که یکی از اهداف تشکیل سازمان موصوف، حفظ و حمایت از آزادی‌های اساسی انسان‌ها و تضمین احترام به کرامت ذاتی بشر و شخصیت والای انسانی است. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) در مواد ۱ و ۳ و ۹ حق برخورداری همه افراد از آزادی و امنیت شخصی را مورد تأکید قرار داده و هیچ کس را مجاز به سلب خودسرانه آزادی دیگران ندانسته است. منظور از امنیت شخصی^۱، وجود امنیت مبتنی بر قانون برای فرد در برابر سایرین از جمله مقامات دولتی است. این حق تضمین کننده همه انواع آزادی‌های شخصی تلقی می‌شود، به گونه‌ای که بدون آن، آزادی‌های شخصی نمی‌توانند وجود داشته باشند (الصالح، ۱۳۷۹: ۳۵). حق مزبور به دلیل اهمیت، در مواد ۱ و ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز مورد تأکید قرار گرفته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در همین راستا و با الهام از تعالیم دین مبین اسلام، در مقدمه خود، آزادی و کرامت انبای بشر را سرلوحه اهداف خود معرفی و همگان را مکلف به پیروی از آن کرده است. اسلام انسان را موجودی خودآگاه، خیراندیش، حق‌گرا، عدالت‌خواه، قانون‌مدار، مسئولیت‌پذیر، کمال‌جو و در یک جمله آزاد، مختار و برخوردار از کرامت ذاتی می‌داند. این خصوصیات از آیات ۲۵۶ سوره بقره، ۲ و ۳ سوره انسان، ۱۸ سوره زمر، ۱۰۰ سوره عادیات، ۱۴ سوره قیامت، ۸ سوره شمس، ۷۲ سوره احزاب، ۷ سوره هود، ۳۸ سوره مدثر، ۴ سوره تین و ۷۰ سوره اسراء قابل استفاده و استظهار است. حضرت علی (علیه‌السلام) در وصیت خود به فرزندش امام حسن (علیه‌السلام)، حق آزادی را الهی و تکوینی می‌داند. (نهج‌البلاغه، نامه ۳۱) بنابراین حق آزادی، حقی فطری و تکوینی است و برخلاف بسیاری از حقوق، حتی توسط خود فرد هم قابل اسقاط یا انتقال به غیر نیست و آدمی حق ندارد به استناد داشتن آزادی، آزادی خویش را پایمال کرده تن به ذلت و بردگی دهد (رشاد، ۱۳۷۹: ۱۲۴-۱۱۸). بر همین اساس، در اصل نهم قانون اساسی، حتی تمامیت ارضی و استقلال سیاسی کشور، برتر از حقوق و آزادی‌های فردی شناخته نشده و به هیچ مقامی، اختیار سلب آزادی‌های مشروع شهروندان، هر چند به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و با وضع قانون داده نشده و بند ۷ اصل سوم، دولت را موظف دانسته که همه امکانات خود را برای تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون به کار گیرد. به همین دلیل در موارد استثناء، باید اعمال محدودیت نسبت به برخی از جنبه‌های آزادی افراد، محدود به حد ضرورت و مقید به قیود دقیق و شفاف قانونی باشد و به عنوان آخرین راه حل و نهایی‌ترین اقدام مد نظر قرار گیرد. در این راستا مقررات آیین دادرسی کیفری (در معنای عام کلمه) که در برگرنده الزامات نظام قضایی در زمینه حقوق و آزادی‌های متهمان است، بهترین سنجه

برای پی بردن به میزان پابندی عملی به اصول قانون اساسی و انطباق نظام حقوقی ایران با مقررات پیش بینی شده در اسناد بین‌المللی است. در زیر به بررسی این الزامات پرداخته خواهد شد.

۱-۲- رعایت حق متهم در اعلام فوری دستگیری و بازداشت خود به خانواده

از اولین الزاماتی که نظام قضایی، هنگام دستگیری^۱ و یا بازداشت^۲ یک نفر با آن مواجه است، رعایت حق متهم در اعلام فوری دستگیری و بازداشت خود به خانواده خویش است. این حق، ریشه در شناسایی حق برخورداری تمامی شهروندان از آزادی و امنیت شخصی دارد که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پیش‌بینی شده است. قاعده ۹۲ از قواعد حداقل استاندارد در رفتار با زندانیان، این حق را با صراحت مقرر کرده و اصل ۱۶ از مجموعه اصول برای حمایت همه افراد در هر گونه بازداشت یا زندان (۱۹۸۸) با تفصیل بیشتر و به صورت کامل تری به تبیین این حق پرداخته و بر اعلام بی درنگ خبر دستگیری و محل نگهداری متهم به خانواده و یا وابستگان او تأکید کرده است.

اعلام فوری دستگیری و بازداشت، در تأمین امنیت روانی و حفظ آرامش و آسایش شهروندان و خانواده‌های آنان، اهمیت بسیار دارد. چرا که موجب پیشگیری از ورود آسیب‌های مادی و معنوی به خانواده‌ها و کاهش آثار منفی ناشی از دستگیری و بازداشت بر شخص متهم و تخفیف فشارهای روحی و روانی وارد بر او می‌گردد. این اقدام، متهم را در بازیابی مجدد خویش در شرایط بحرانی جدید یاری رسانده و در نتیجه می‌تواند در کسب آمادگی او برای دفاع مناسب مؤثر باشد.

از طرف دیگر، خانواده وی نیز با آگاهی از موضوع پیش آمده، از سرگردانی و بلا تکلیفی خارج و با اقدامات و پیگیری‌های خود، موجب تسریع در رسیدگی به پرونده و در صورت بی‌گناهی متهم، خروج او از بازداشت می‌شود. به همین دلیل این امر، در اسناد بین‌المللی و در مقررات داخلی ایران مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. بند ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، کلیه مراجع قضایی و ضابطان دادگستری را موظف کرده، خانواده دستگیرشدگان را در جریان دستگیری و بازداشت قرار دهند. لیکن این اقدام را همانند اسناد بین‌المللی مقید به قید فوریت ن ساخته است که به دلیل موضوعیت داشتن زمان در اقدام به اطلاع‌رسانی، مقرر مزبور از این حیث و همچنین از حیث عدم پیش بینی ضمانت اجرا، قابل انتقاد و ایراد است. افزون بر بند ۵ ماده واحده یادشده، ماده ۵۶ آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها (۱۳۸۴) نیز در همین رابطه است. این ماده اختصاص به محکومان دارد و اقدام فوری به اطلاع رسانی را منوط به فقدان منع قانونی کرده است.

1. Capture
2. Deterrence

۲-۲- الزام به رعایت حق بررسی مشروعیت بازداشت

برخورداری از موهبت آزادی و آزاد زیستن، اصلی است که هم در حقوق اسلامی و هم در حقوق عرفی پذیرفته شده و برای نقض آن ضمانت اجرای کیفری تعیین شده است. ماده ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی این حق را پیش‌بینی و دستگیری و بازداشت خودسرانه^۱ را ممنوع کرده است.

بر اساس نظر کمیته حقوق بشر اصطلاح خودسرانه که در بند ۱ ماده ۹ میثاق آمده است، باید به گونه‌ای تفسیر شود که علاوه بر بازداشت‌های غیر قانونی، بازداشت‌های نامتناسب و برخلاف عدالت را هم شامل شود (Amnesty international fair trials manual, section A). در نظام حقوقی ایران قانون‌گذار در اصل ۳۲ ق.ا. ممنوعیت بازداشت خودسرانه را مورد حکم قرار داده است. در بندهای ۱ و ۵ ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی نیز به لزوم رعایت ترتیبات قانونی دستگیری و بازداشت و اجتناب از بازداشت‌های اضافی و بدون ضرورت تصریح و تأکید شده است. بنابراین سلب آزادی افراد به جز در موارد استثنایی که شرایط و ترتیبات آن را قانون تعیین می‌کند، امکان‌پذیر نیست. به همین دلیل کسانی که از آزادی محروم و بازداشت می‌شوند، همواره و در طول مدت بازداشت، این حق را دارند که نسبت به قانونی بودن بازداشت خود و استمرار آن، بررسی لازم را انجام دهند و در این خصوص اعتراض و شکایت کنند.

ماده ۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر در ارتباط با موضوع مورد بحث، این گونه بیان می‌دارد: «در برابر اعمالی که حقوق اساسی فرد را مورد تجاوز قرار دهد و آن حقوق به وسیله قانون اساسی و یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد، هر کس حق رجوع مؤثر به محاکم ملی صالحه را دارد.» بند ۴ ماده ۹ میثاق و اصل ۳۲ از مجموعه اصول، با بیانی مشخص‌تر این حق را مورد حکم قرار داده است. همچنین قواعد حداقل استاندارد در مواد ۳۵ و ۳۶ خود، حق شکایت زندانیان را به طور عام و کلی پیش‌بینی کرده است که شامل حق مورد بحث نیز می‌شوند.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۳۴ دادخواهی را حق مسلم هر فرد دانسته و قانون‌گذار عادی، افزون بر حق اعتراض متهم به قرار بازداشت و امکان تجدید نظر در آن به موجب ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و بندهای ح و ط ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، در مواد ۵۷۰، ۵۷۲ و ۵۷۵ قانون مجازات اسلامی، ضمانت اجرای کیفری بازداشت‌های خودسرانه و عدم استماع شکایت و اعتراض متهمان نسبت به بازداشت خود را پیش‌بینی کرده است. شناسایی چنین حقی برای متهم و تعیین ضمانت اجرای کیفری برای آن بدین معناست که مقامات و

دست‌اندرکاران نظام قضایی و غیر قضایی و عوامل اجرایی آن‌ها ملزم به رعایت دقیق ترتیبات و شرایط مقرر قانونی در هنگام دستگیری و بازداشت افراد هستند و باید از اقدام خودسرانه در این خصوص به شدت اجتناب کنند. البته با وجود مقررات فعلی قانون آیین دادرسی کیفری (مواد ۳۲ تا ۳۷) که استفاده گسترده از قرار بازداشت را سهل و آسان کرده است، نیازی به اقدام غیرقانونی و خودسرانه وجود ندارد و توجیه قانونی بازداشت در همه موارد، همواره امکان‌پذیر است. بنابراین نظام حقوقی ایران، از این حیث دچار نقص و خلل و نیازمند اصلاح و پیش‌بینی مقرراتی شفاف و دقیق است.

۲-۳- رعایت حق اطلاع متهم نسبت به حقوق و تکالیف خود

قرار گرفتن افراد در شرایطی خاص در هنگام متهم شدن به ارتکاب جرم و در نتیجه افزایش میزان آسیب‌پذیری آن‌ها، اقتضا دارد که ایشان به طور کامل از حقوق^۱ و تکالیف^۲ قانونی خود آگاه شوند تا بتوانند با استفاده از ابزارهای قانونی از خود دفاع کنند. این ضرورت هنگام بازداشت متهمان از اهمیت دو چندان برخوردار می‌شود. قرار گرفتن در محیط بازداشتگاه، حقوقی را برای متهم ایجاد می‌کند که اغلب افراد یا نسبت به آن‌ها ناآگاهند و یا ضربه روحی و آشفتگی و پریشانی فکری ناشی از دستگیری و بازداشت، آنان را دچار غفلت و سردرگمی کرده، مجال صحیح اندیشیدن را از آنان سلب می‌کند. با توجه به فرض براءت و احتمال بی‌گناهی افراد در این شرایط، باید آنان را نسبت به حقوق خود آگاه کرد. به همین دلیل میثاق در قسمت د بند ۳ ماده ۱۴ لزوم مطلع کردن متهم از حق داشتن وکیل و قواعد حداقل استاندارد در ماده ۳۵، حق زندانیان در دریافت اطلاعات لازم و آگاهی کامل نسبت به حقوق خود را پیش‌بینی و دولت‌ها را مکلف به رعایت آن کرده است.

همچنین به موجب اصل ۱۳ از مجموعه اصول، هر فردی باید در لحظه دستگیری و در آغاز بازداشت یا زندان یا بی‌درنگ پس از آن توسط مقامات مسئول، اطلاعات و توضیحاتی درباره حقوق خویش و چگونگی استفاده از این حقوق دریافت کند. در نظام حقوقی ایران، علاوه بر قسمت د بند ۳ ماده ۱۴ میثاق در خصوص اعلام حق داشتن وکیل به متهم در زمان محاکمه، ماده ۵۵ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها نیز مقرراتی را به صورت ناقص، در این خصوص پیش‌بینی کرده است.

این ماده که یک مقررره فروتقینینی فاقد ضمانت اجرا است، فقط متهمان در بازداشت را شامل می‌شود، در صورتی که اطلاع‌رسانی به کلیه افرادی که به هر شکل در معرض اتهام قرار می‌گیرند و آشناکردن آن‌ها با تمامی حقوق خویش ضرورتی آشکار است.

۲-۴- رعایت حق تظلم، شکایت و اعتراض

حق تظلم^۱، شکایت^۲ و اعتراض^۳ حقی است که همه افراد بشر در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها از آن برخوردارند. دستگیری و بازداشت افراد، نه تنها این حق را از آنان سلب نمی‌کند، بلکه به دلیل آسیب‌پذیرتر بودن فرد در شرایط بازداشت، قرار گرفتن او در موضع ضعف شدید و قطع دسترسی‌های او، ضرورت توجه بیشتر به فراهم ساختن امکان بهره‌مندی از این حق را دو چندان می‌کند. اعلامیه جهانی حقوق بشر در مواد ۸ و ۱۰، بهره‌مندی تمامی آحاد جامعه انسانی از جمله متهمان را از این حق، پیش‌بینی کرده است. مجموعه اصول برای حمایت همه افراد در هرگونه بازداشت یا زندان، به منظور اجرایی کردن این حق و فراهم کردن زمینه دادخواهی و تظلم و بیان هرگونه مطلبی که متهم نیاز به انتقال آن به مقامات مسئول دارد و همچنین نظارت بر رعایت کامل قوانین و مقررات مربوطه، در اصل ۲۹ لزوم بازدید مرتب از بازداشتگاه توسط افراد صالح و با تجربه، منصوب توسط مقام مسئولی غیر از مقام مسئول اداره بازداشتگاه را پیش‌بینی و مقرر کرده است که متهم باید حق ملاقات آزادانه و کاملاً محرمانه را با این افراد داشته باشد. اصل ۳۲ مصوبه مزبور حق اعتراض متهم نسبت به بازداشت را بیان و بالاخره اصل ۳۳، حق شکایت متهم نسبت به شیوه رفتار با وی را مطرح کرده است. قانون‌گذار اساسی ایران در اصل ۳۴ ق.ا.، این حق را برای همه افراد ملت پیش‌بینی و آن را مورد توجه و تأکید قرار داده است. در قوانین عادی نیز به این موضوع به ویژه در ارتباط با متهمان بازداشتی، احکامی وجود دارد. بندهای ح و ط ماده ۳ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب و ماده ۳۳ قانون آیین دادرسی کیفری حق اعتراض متهم نسبت به قرار بازداشت صادره و امکان تکرار این اعتراض در فواصل زمانی مشخص را پیش‌بینی کرده است. در آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، مواد مختلفی از جمله ماده ۴۴ و دستورالعمل اجرایی آن، مواد ۱۶۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۷ و ۲۰۹ به تبیین این حق و لزوم فراهم کردن امکان بهره‌مندی سهل و آسان متهمان از آن اختصاص یافته است. مقررات وضع شده در این آیین نامه بسیار فراتر از مقررات مصوب سازمان ملل است و بهره‌برداری از این حق را به خوبی تأمین و تضمین می‌کند. در نظام حقوقی ایران، از لحاظ نحوه و چگونگی و تعداد دفعات توسل متهم به راه‌های اعلام شکایت و تظلم، هیچ مقرره‌ای وجود ندارد و از این حیث متهم با هیچ محدودیتی مواجه نیست و می‌تواند از تمامی شیوه‌های پیش‌بینی شده در مواد بالا، به طور هم‌زمان و به صورت مکرر بهره‌برداری و استفاده کند و در کنار تمامی این راه‌ها و امکانات، همواره و در هر حال توسل به مقررات و قواعد عام مربوط به تظلم و دادخواهی و مراجعه به مرجع قضایی صلاحیت دار و اقامه دعوی نیز امکان‌پذیر است. این وضعیت یعنی عدم پیش‌بینی یک مرجع مستقل از سازمان زندان‌ها و عدم تعریف

1. petition
2. complaint
3. objection

فرایندی مشخص، نظام‌مند و مرحله بندی شده برای رسیدگی به شکایات و دادخواهی‌های متهمان، ایراد عمده این مقررات است. وضع موجود، موجب انجام اقدامات موازی و همزمان توسط مراجع مختلف می‌گردد که اتلاف وقت و سرمایه را به دنبال دارد و راه سوءاستفاده را باز می‌گذارد. بنابراین سامان دادن به نحوه دادخواهی و تظلم متهمان در بازداشت و مشخص کردن یک فرایند صحیح، منطقی و چند مرحله‌ای برای این منظور به صلاح نزدیک تر و در رسیدن به نتیجه مطلوب بهتر خواهد بود. قانون مجازات اسلامی در مواد ۵۷۰ و ۵۷۴، ضمانت اجرای کیفری نادیده گرفتن حق دادخواهی و تظلم متهمان را پیش‌بینی کرده و افرادی که این حق را از متهم یا متهمان سلب کنند قابل مجازات اعلام کرده است.

۲-۵- الزام به عدم مداخله خود سرانه در امور شخصی و خصوصی

توجه اتهام به اشخاص، به معنای اجازه مداخله در تمام زوایای زندگی شخصی و خصوصی آن‌ها توسط مقامات قضایی و عوامل آنان نیست، بلکه آنان فقط مجاز به تحقیق و بررسی حول موضوع اتهام هستند. هر گونه کنجکاوی، تجسس و دخالت در اموری که مرتبط با اتهام نیست غیرقانونی، خودسرانه و ممنوع است و در صورت ارتکاب از ناحیه هر شخص و مقامی، متهم حق ممانعت و شکایت دارد. ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «احدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود... هر کس حق دارد در مقابل این گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون قرار گیرد.» ماده ۱۷ میثاق، دارای متن مشابهی با متن ماده ۱۲ اعلامیه است. قانون اساسی جمهوری اسلامی، طی دو اصل ۲۲ و ۲۵ تجسس در امور شخصی و حریم خصوصی افراد را ممنوع و آن را مصون از تعرض دانسته است. قانون‌گذار عادی به منظور اجرایی کردن مقررات یاد شده، در مواد ۱۰۳ و ۱۰۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و بندهای ۸ و ۱۱ قانون حفظ حقوق شهروندی به این موضوع پرداخته است. به موجب مقررات ماده ۱۰۳ و بند ۸ پیش گفته، بازرسی و تفتیش منازل و اماکن باید بر اساس مقررات قانونی و بدون مزاحمت و در کمال احتیاط انجام شود و از اوراق و نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه راجع به واقعه جرم است تحصیل شود و از تعرض نسبت به اسناد و مدارک و اشیایی که ارتباطی به جرم نداشته و یا به متهم تعلق ندارد و افشای مضمون نامه‌ها و نوشته‌ها و عکس‌های فامیلی و فیلم‌های خانوادگی و ضبط بی‌مورد آن‌ها خودداری گردد. ماده ۱۰۴ در خصوص کنترل مکاتبات و مراسلات متهم، شرایطی را تعیین و کنترل تلفن افراد را جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده می‌شود، ممنوع کرده است. در راستای مقررات یاد شده و به منظور حفاظت هر چه بهتر و بیشتر از حریم خصوصی افراد، بند ۱۱ قانون احترام به آزادی‌های مشروع در خصوص تحقیق از متهم مقرر می‌دارد: «پرسش‌ها باید،

مفید و روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنجکاوای در اسرار شخصی و خانوادگی و سؤال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر مؤثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.» در پایان ذکر این نکته مفید به نظر می‌رسد که ضمانت اجرای کیفری این حق، در مواد ۵۷۰، ۵۸۰ و ۵۸۲ قانون مجازات اسلامی تعیین شده است.

۲-۶- رعایت حق انجام فرائض دینی و مذهبی^۱

یکی از حقوق بنیادین بشر که به دلیل ماهیت خاص اعتقادی، همواره در معرض آسیب و تضییع قرار دارد، حق آزادی مذهب و عقیده است. به همین دلیل در اسناد بین‌المللی، حق آزادی مذهب و عقیده متهمان به صراحت، مورد توجه قرار گرفته و به آن تأکید بسیار شده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در مواد ۱۸ و ۱۹ با عباراتی عام و مطلق، این حق را برای تمامی آحاد جامعه انسانی، بدون بیان هیچ گونه استثنایی، پیش بینی کرده است. میثاق نیز در مواد ۱۸ و ۲۷ به تبیین حق مزبور پرداخته است. در راستای مقررات ماده اخیر، در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۲ دو اعلامیه به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. اعلامیه نخست، اعلامیه محو همه اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر دین یا اعتقاد است. اعلامیه دیگر، اعلامیه حقوق افراد متعلق به اقلیت‌های ملی، نژادی، مذهبی و زبانی (۱۹۹۲) است که در بند ۱ ماده ۲، حق آزادی مذهبی را مورد تأکید مجدد، قرار داده است. علاوه بر این مقررات عام، برخی از اسناد بین‌المللی به‌طور مشخص و ویژه به بیان حق آزادی مذهب و عقیده متهمان و چگونگی اعمال آن پرداخته‌اند. از جمله این اسناد، قواعد حداقل استاندارد را می‌توان نام برد. قاعده ۶- (۱) از قواعد مزبور، لزوم احترام به باورهای مذهبی و اصول اخلاقی زندانیان را به رسمیت شناخته است. اصل ۳ از اصول اساسی رفتار با زندانیان (۱۹۹۰) نیز لزوم احترام به اعتقادات مذهبی زندانیان را پیش‌بینی کرده و در اصل ۵، برخورداری کلیه زندانیان از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل‌های اختیاری آن و سایر حقوق مندرج در اسناد ملل متحد را مورد تأکید قرار داده است. حق آزادی مذهب و عقیده، در برگیرنده حق برقراری تماس با نماینده صلاحیت‌دار مذهب مربوطه و دسترسی به کتاب‌ها و راهنمایی‌های مذهبی نیز می‌باشد. به همین دلیل قاعده ۴۱- (۳) و قاعده ۴۲ از قواعد حداقل استاندارد، این موضوع را پیش‌بینی کرده و مورد تأکید قرار داده است. بر اساس قاعده ۴۱- (۲) نماینده مذهبی باید اجازه داشته باشد تا خدمات معمول خود را انجام دهد و در زمان‌های مناسب با زندانیان هم مذهب خود به طور خصوصی دیدار داشته باشد.

در نظام حقوقی ایران، با ملاحظه برخی از اصول قانون اساسی نظیر اصل ۳ (بندهای ۹ و ۱۴) و اصول ۱۹، ۲۲ و ۲۳ که به صورت عام و مطلق تنظیم شده و در آن‌ها از عناوین کلی از قبیل «همه»، «عموم افراد»، «مردم ایران»، برای بیان موضوع حکم استفاده شده است، می‌توان این دید کلی را به دست آورد که حقوق و آزادی‌های اساسی از جمله حق آزادی مذهب و عقیده برای کلیه شهروندان ایرانی در نظر گرفته شده و اتباع ایران در برخورداری از این حقوق بدون توجه به وابستگی مذهبی، قومی، نژادی و زبانی مساویند. اصل ۱۴ نیز در تقویت این دیدگاه چنین مقرر می‌دارد: «... دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند...». دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) در مورد ایرانیان غیر مسلمان، نیز می‌تواند به عنوان مؤید این برداشت از قانون اساسی تلقی گردد؛ ایشان در پاسخ سؤال شورای عالی قضایی در مورد نحوه اعمال مجازات در مورد غیر مسلمانان ساکن ایران اعم از اهل کتاب و غیر آن‌ها فرمودند: «کفار مزبور در پناه اسلام هستند و احکام اسلام مانند مسلمان‌های دیگر درباره آن‌ها جاری است و محقون الدم بوده و مالشان محترم است.» (صحیفه امام خمینی، ج ۱۸: ۳۰۴). البته در قانون اساسی، مقرراتی دیگری نیز وجود دارد که احکام یادشده را مقید می‌سازد. اصل ۱۲ قانون اساسی از مذاهب مختلف اسلامی، فقط مذاهب حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی را نام برده و موجودیت و هویت آن‌ها را به رسمیت شناخته و به آن‌ها اجازه داده که در مراسم مذهبی خود و تعلیم و تربیت دینی طبق فقه خویش آزادانه عمل نمایند. اصل ۱۳ قانون اساسی در خصوص شهروندان غیرمسلمان می‌گوید: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصیه و تعلیمات دینی بر طبق آیین خود عمل می‌کنند.» بنابراین قانون اساسی سایر گرایش‌ها و اعتقادات را تحت حمایت قرار نداده و به عنوان دین یا مذهب نشناخته است. پیروان این نوع گرایش‌ها و اعتقادات، جزء اتباع و شهروندان دولت ایران محسوب‌اند و تابع احکام و قوانین عمومی حکومتند. اما دولت تعهدی بر شناسایی و اجرای قواعد و مقررات مذهبی آن‌ها ندارد و آزادی انجام مراسم مذهبی آن‌ها را به صورت جمعی و علنی تضمین نمی‌کند (مهرپور، ۱۳۷۸: ۱۸۲-۱۸۹). ماده ۱۵۰ آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها (۱۳۸۴)، به پیروی از مقررات اخیر قانون اساسی، هر متهمی را که پیرو یکی از ادیان رسمی کشور است، مجاز دانسته در آسایشگاه عمومی یا انفرادی خود، یک جلد کتاب آسمانی، کتاب دعا، سجاده و مهر نماز برای انجام امور واجب مذهبی، نگهداری کند. این متهمان، در صورت نیاز می‌توانند حضور نماینده مذهبی خود را در بازداشتگاه تقاضا کنند تا در اجرای آداب و به جا آوردن تکالیف مذهبی، آن‌ها را راهنمایی و ارشاد کند.

۲-۷- رعایت حق اجتناب متهم از انجام کار و خدمت اجباری

قرار دادن و یا قرار گرفتن فرد در موضع اتهام و دستگیری و بازداشت او به معنای چیرگی و تسلط بر تمام شئون زندگی وی نیست، بلکه با رعایت شرایط قانونی تنها محدودیتی که می‌توان بر او تحمیل کرد، ممنوعیت تردد آزادانه است که این نیز در بسیاری از موارد به دلیل مغایرت با فرض برائت باید به صورت محدود و مقید مورد استفاده قرار گیرد. در هیچ شرایطی امکان اجبار متهم به کار و خدمت وجود ندارد و متهم در هر مرحله‌ای از مراحل دادرسی، حق اجتناب و خودداری^۱ از انجام کار و خدمت اجباری^۲ را دارد. حتی اگر قانون و مقرره‌ای در خصوص برخورداری از این حق وجود نداشته باشد، به حکم عقل چنین حقی برای متهم ثابت به نظر می‌رسد؛ عقل سلیم اجبار و تحمیل تکلیف بر افراد را قبیح و مذموم می‌شمارد؛ ضمن این که تحمیل تکلیف بر خلاف اصل است و نیاز به مجوز قانونی دارد که نه تنها چنین مجوزی وجود ندارد، بلکه در اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی به صراحت منع شده است. از آنجا که اجبار و اکراه افراد با کرامت انسانی و حق آزادی آن‌ها مغایرت کامل دارد، تمام مستندات مرتبط با این دو موضوع، برای اثبات حق اجتناب متهم از انجام کار و خدمت اجباری نیز قابل استناد است. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده ۸ و قواعد حداقل استاندارد در قاعده ۸۹ به صراحت کار و خدمت اجباری را ممنوع کرده است. علاوه بر این‌ها، در تعداد دیگری از اسناد بین‌المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک و پروتکل اختیاری آن، کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید، مقاله نامه بین‌المللی شماره ۲۹ راجع به لغو کار اجباری و مقاله نامه بین‌المللی شماره ۱۰۵ در خصوص منع کار اجباری، اجبار افراد به انجام کار، منع شده و در برخی از این اسناد از دولت‌های عضو خواسته شده است که شکل قانونی کار اجباری را نیز لغو و قوانین خود را در این زمینه تغییر دهند. دولت ایران به تمامی این اسناد، ملحق شده و مجلس نیز آن‌ها را به تصویب رسانده است، به همین دلیل اسناد موصوف برای محاکم، دارای ارزش قانون ملی و قابل استناد می‌باشند. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در بند ۴ اصل ۴۳، عدم اجبار افراد به کار و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری را مورد حکم قرار داده است. بندهای ۶ و ۹ قانون حفظ حقوق شهروندی (۱۳۸۳) نیز در این خصوص قابلیت استناد دارند.

۲-۸- رعایت حق ارتباط با خارج از بازداشتگاه

از آن جا که بازداشت و توقیف افراد خلاف اصل است، هنگام توسل به آن باید دقت شود که تحمیل محرومیت، محدود به حدود قانونی و به مقدار ضرورت صورت گیرد. به همین دلیل سلب آزادی از افراد در تمام موارد بازداشت، نسبی است و الزاماتی را برای نظام قضایی (اعم از ضابطین دادگستری و محاکم) در

1. refusal

2. servitude

زمینه حقوق و آزادی‌های متهمان ایجاد می‌کند. الزام به رعایت حق ارتباط متهمان با خارج از بازداشتگاه، یکی از این الزامات است. چنین الزام و تکلیفی، مستند به ادله قانونی و حقوقی ملی و بین‌المللی است. از لحاظ اسناد بین‌المللی علاوه بر اعلامیه جهانی حقوق بشر که آزادی را حق تمامی افراد انسانی، صرف‌نظر از تمام صفات و خصوصیات عرضی، دانسته (مواد ۱ و ۳) و افراد را در کلیه حالات و وضعیت‌ها، متمکن از اعمال تمامی حقوق و آزادی‌ها اعلام کرده است (ماده ۲)، اصل ۱۹ مجموعه اصول، به صراحت به تبیین این الزام نظام قضایی پرداخته است. به موجب این اصل: «فرد در بازداشت یا زندان باید حق ملاقات و مکاتبه، به ویژه با اعضای خانواده خود را داشته باشد و باید به او فرصت کافی برای تماس با دنیای بیرون داده شود ضمن این که شرایط و محدودیت‌های تعیین شده توسط قانون یا مقررات قانونی باید در نظر گرفته شود.» قاعده ۳۷ از قواعد حداقل نیز به بیان همین موضوع اختصاص یافته است. هم چنین لزوم برخورداری اتباع بیگانه و یا افراد فاقد تابعیت از این حق و ضرورت فراهم کردن امکان تماس آن‌ها با نمایندگان دیپلماتیک و کنسولی کشور متبوع خود یا مقام ملی و بین‌المللی دیگر، در قاعده ۳۸ از مجموعه قواعد مزبور، مورد تأکید قرار گرفته است. این اشخاص باید از تمامی امکاناتی که در اختیار بومیان است بهره‌مند شوند. هفتمین کنگره سازمان ملل برای پیشگیری از جنایت و نحوه برخورد با بزه‌کاران، توصیه‌های زیر را در رابطه با زندانیان خارجی مطرح کرده است: «تماس زندانیان خارجی با خانواده‌هایشان و نیز با سازمان‌های مختلف باید از طریق تهیه ابزار لازم برای ملاقات‌ها و مکاتبات تسهیل گردد، مگر آنکه زندانیان با این تماس‌ها موافق نباشند. سازمان‌های بشردوستانه بین‌المللی، مانند کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، باید بتوانند کمک‌های خود را به زندانیان خارجی ارائه دهند.» (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۹۹۵: ۱۲۵). ماده ۳۶ کنوانسیون روابط کنسولی وین (۱۹۶۳) کشورهای امضاکننده را به مقررات سخت‌گیرانه‌تری در این زمینه ملزم می‌سازد.

بنابراین برقراری ارتباط با محیط خارج از بازداشتگاه حق متهم است. در نتیجه ایجاد چنین امکانی برای متهمان نباید به‌عنوان پاداش و یا منع آن‌ها از داشتن چنین ارتباطی نباید به‌عنوان تنبیه در نظر گرفته شود (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۹۹۵: ۹۲). بهره‌مندی از این حق و امکان ایجاد ارتباط و تعامل در صورتی میسر می‌شود که خانواده و دوستان متهم از محل بازداشت او مطلع باشند. به همین دلیل قاعده ۴۴/۳ از قواعد حداقل حکم کرده است: «هر زندانی حق دارد خبر بازداشت یا انتقال خود به زندان دیگر را بلافاصله به اطلاع خانواده خود برساند.» بند ۱ اصل ۱۶ از مجموعه اصول، با عبارات مشابهی این حق را مورد تأکید مجدد قرار داده است. اطلاع از محل بازداشت و انتقال نه تنها حق زندانی، بلکه حق فرزندان و دیگر اعضای خانواده او نیز می‌باشد. بند ۴ ماده ۹ از کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) دولت‌های امضاکننده را ملزم می‌کند که «اطلاعات اساسی درباره محل نگهداری عضو یا اعضای خانواده را به اطلاع فرزند یا هر

عضو دیگر خانواده برسانند». ابلاغ خبر حبس و محل آن باید «بلافاصله» (قاعده ۳/ ۴۴) و یا «در کوتاه‌ترین زمان ممکن» (مجموعه اصول ۱۶/۴) صورت گیرد. (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۹۹۵: ۱۲۱). علاوه بر شیوه‌های ارتباطی پیش گفته، راه‌های دیگری برای ارتباط با محیط خارج از بازداشتگاه وجود دارد. یکی از آن‌ها استفاده از رسانه است. قاعده ۳۹ از قواعد حداقل در این خصوص مقرر می‌دارد: «زندانیان باید به‌طور مرتب در مورد اتفاقات مهم اجتماعی از طریق خواندن روزنامه، مجلات یا نشریات مخصوص زندان، یا با گوش کردن به وسایل ارتباط جمعی، از طریق سخنرانی و یا با هر وسیله‌ی دیگری که توسط مقامات زندان مجاز شناخته شده و یا کنترل می‌شود، آگاه شوند.»

در نظام حقوقی ایران، هر چند قانون اساسی به صراحت، مطلبی را در این ارتباط بیان نکرده است، لیکن با توجه به اصول عام مربوط به حقوق و آزادی‌های افراد از جمله اصول دوم، سوم، نهم، بیستم، بیست و دوم و سی و هشتم و روح حاکم بر این قانون، می‌توان قائل به عدم مخالفت قانون اساسی با وجود چنین حقی شد. در قوانین عادی، به‌جز عبارت مندرج در بند ۵ قانون حفظ حقوق شهروندی، که لزوم اطلاع‌رسانی به خانواده متهم را بدون قید لزوم فوری بودن این اطلاع، پیش‌بینی کرده است، مقرر خاصی در ارتباط با این حق متهمان و الزام نظام قضایی به رعایت آن وجود ندارد. در مقررات فروتقنیتی، بخش سوم آیین نامه اجرایی سازمان زندان‌ها (۱۳۸۴)^۱، هماهنگ با اسناد بین‌المللی پیش گفته و منطبق با آن‌ها، متضمن مقررات مفصلی در این خصوص است.

ماده ۱۸۰ آیین نامه موصوف، اصل را بر ارتباط متهم در بازداشت با بستگان و آشنایان خود قرار داده و عدم ارتباط یا محرومیت از ارتباط را، به عنوان استثناء در نظر گرفته است. از آن جا که موارد استثناء باید توسط مقنن به تصریح بیان شود و عمل به آن‌ها نیاز به حکم و دستور دارد، تبصره ماده مزبور به این مهم پرداخته و موارد استثناء را مشخص کرده است. هم‌چنین ماده ۳ دستورالعمل نحوه تأسیس واحدهای حمایت از حقوق شهروندی زندانیان، به حق ارتباط متهم با خارج از بازداشتگاه به عنوان یک حق شهروندی تصریح و آن را مشمول حمایت واحدهای حمایت معرفی کرده است.

هر چند آیین نامه اجرایی موصوف در اجرای ماده ۹ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۶۴ تهیه و ابلاغ شده است، لیکن اهمیت حقوق و آزادی‌های اساسی اشخاص و لزوم حمایت و تضمین آن‌ها با تعیین ضمانت اجراهای لازم، اقتضا می‌کند قانونی کامل، دقیق و شفاف توسط مجلس تصویب گردد.

۳- الزامات مربوط به اصل دادرسی منصفانه^۱

ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۴ میثاق، حق اساسی و بنیادین برخورداری همه افراد از دادرسی منصفانه را پیش بینی کرده‌اند. قانون اساسی جمهوری اسلامی هر چند مانند دو سند قانونی پیش گفته به صراحت، حق بهره‌مندی شهروندان از دادرسی منصفانه را بیان نکرده است، اما مقررات مندرج در اصول ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۱۵۶، ۱۶۵، به وضوح بیانگر پذیرش این حق به‌عنوان یک اصل مبنایی است که منشأ حقوق متعدد گردیده است.

لازمه منصفانه‌بودن فرایند دادرسی رعایت دو دسته حقوق و ضابطه است. دسته نخست مربوط به سازمان و ساختار سیستم قضایی و دستگاه عدالت کیفری است و دسته دوم مربوط به تساوی سلاح‌های طرفین دعوی و رعایت حقوق دفاعی متهم است. (آشوری و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۲۷ و ۳۲۸) مواردی که رعایت آن‌ها در مرحله دادسرا الزامی است؛ در اینجا مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱- رعایت حق بهره‌مندی از فرض برائت

فرض برائت یا فرض بی گناهی به این معنی است که همه انسان‌ها مادام که مجرمیت آنان در جریان رسیدگی عادلانه و منصفانه در یک دادگاه قانونی، به طور قطع و یقین اثبات و احراز نگردیده، بی گناه محسوب می‌شوند و از هر گونه تعرض مصون هستند (حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۳۶). حق بهره‌مندی از این فرض، نخستین، مهم‌ترین و مبنایی‌ترین حقی است (Steve, 2006) که اغلب قریب به اتفاق حقوق متهمان، بر پایه آن بنا نهاده شده و یا از آن سرچشمه گرفته‌اند. در پناه این اصل است که متهم می‌تواند از حقوق خود در مقابل قدرت و هیمنه مقامات دادسرا و ضابطان آنان به خوبی دفاع کند. در منابع حقوق اسلامی، دلایل متعددی بر اثبات این فرض اقامه شده است.^۲ برخورداری از مبانی منطقی و محکم و دارا بودن آثار مهم و قابل توجه^۳، سبب شده که فرض مزبور در دو قرن اخیر و به ویژه پس از جنگ جهانی دوم مورد اقبال و عنایت خاص حقوق دانان و قانون‌گذاران در حقوق داخلی کشورها و نیز موضوع اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌هایی در سطح منطقه‌ای و یا بین‌المللی قرار گیرد. (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۳۵) این اسناد، به صراحت و به کرات بر لزوم رعایت این حق، در تمامی مراحل فرایند دادرسی تأکید کرده‌اند.

1. Fair justice

۲- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: محمدجعفر حبیب‌زاده و محمد توحیدی‌فرد، قانون‌مداری در قلمرو حقوق کیفری، ۱۳۸۶، ص ۵۷ به بعد و سید مصطفی محقق داماد، مباحثی از اصول فقه، دفتر سوم، ۱۳۸۶، ص ۶۹ به بعد.

۳- برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: محمدجعفر حبیب‌زاده و محمد توحیدی‌فرد، همان، ص ۴۳ به بعد، محمدجعفر حبیب‌زاده، تقریرات حقوق کیفری در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ۱۳۸۶، ص ۲۰۴ به بعد، محمد آشوری، اصل برائت و آثار آن در امور کیفری، عدالت کیفری، ص ۱۳۳ به بعد، و باقر شاملو، اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی، علوم جنایی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۲ به بعد.

اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند ۱ ماده ۱۱، میثاق در بند ۲ ماده ۱۴، مجموعه اصول در بند ۱ اصل ۳۶، قواعد حداقل استاندارد در بند ۲ قاعده ۸۴ و اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی در ماده ۶۶ این حق را به صراحت پیش‌بینی و دولت‌ها را مکلف به رعایت آن کرده‌اند. در حقوق ایران نیز این الزام برای مقامات و دست‌اندرکاران قضایی کشور وجود دارد؛ زیرا اصل ۳۷ قانون اساسی به صراحت، مقرر می‌دارد: «اصل، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.» قانون‌گذار عادی نیز هر چند در برخی موارد نظیر فراهم کردن امکان صدور قرار بازداشت موقت به نحو گسترده در مواد ۳۲، ۳۴ و ۳۶ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و الزام متهم به اثبات بی‌گناهی خویش در مواد ۲۴۴ و ۲۴۷ قانون مجازات اسلامی، برخلاف فرض برائت عمل کرده است، اما در مواردی دیگر نظیر ماده ۱۲۹ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (در خصوص لزوم اجتناب از سؤالات تلقینی از متهم و اغفال یا اکراه و اجبار او) و همچنین در قانون حفظ حقوق شهروندی، اصل برائت را مورد توجه قرار داده است. بنابراین در مجموع، مقررات حکم می‌کند که متهمان به خاطر برخورداری از فرض برائت، در شرایط بهتری نسبت به محکومان نگهداری شوند و با آنان رفتارهای مناسب تری صورت گیرد. لیکن بررسی انجام شده در کشورهای مختلف نشان می‌دهد در عمل، این گونه نیست و معمولاً شرایط بازداشت متهمان، بدتر از شرایط حبس محکومان است (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۹۹۵: ۳۸). به همین دلیل، پذیرش کلی فرض برائت توسط قانون‌گذار هر چند لازم است اما کافی نیست و این پذیرش زمانی تأثیر مطلوب و عملی خود را بر جای می‌گذارد که تمامی کارکردهای فرض موصوف، به گونه‌ای هماهنگ و دقیق، شفاف و علمی با تعیین ضمانت اجراهای لازم، مشخص و به تصویب مجلس برسد.

۳-۲- رعایت حق برخورداری از حقوق مساوی

برابر آموزه‌های دینی، برخورداری از حقوق مساوی یا مساوات^۱، وضع بشر در حالت طبیعی است؛ و در این راستا آنچه از دیدگاه حقوق بشر و اندیشه‌های کیفری معاصر از مبانی مسلم عدالت محسوب می‌شود، عدم تأثیر اوصاف و عوارض تکوینی ظاهری یا تمایزات اکتسابی و اعتباری، بر نوع و میزان حمایت‌ها و محدودیت‌های قانونی است (حبیب‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۹۲). مساوات در اینجا ضد تبعیض است و مراد از آن برابری همه افراد در استفاده از موهبت‌ها و نعمت‌های الهی و مزیت‌های اجتماعی است (آشوری و دیگران، ۱۳۸۳: ۵۹). ممنوعیت تبعیض نباید به معنی عدم تفاوت در نظر گرفته شود. تبعیض اعطا و یا سلب امتیاز به بهانه‌های غیر عادلانه و زیان‌بار است. در حالی که تفاوت به معنی تنوع رفتار ناشی از باورها و نیازهای خاص و

شرایط متفاوت اشخاص از جمله متهمان است. البته تفاوت رفتار نباید حاصل پیش‌داوری، موضع‌گیری، تعصب و یا فرقه‌گرایی باشد (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۹۹۵: ۲۸).

نظام حقوق بشر هیچ نوع تبعیضی را بر نمی‌تابد و در اسناد خود بر مساوات در برابر قانون تأکید فراوان کرده است. منشور ملل متحد در مقدمه و در مواد ۱/۲، ۲/۱ و ۱۳/۱ به اصل تساوی و نفی تبعیض توجه نشان داده و آن را مورد تأکید قرار داده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر ابتدا در مقدمه خود، تأکید منشور سازمان ملل بر تساوی حقوق افراد را مورد اشاره قرار داده و سپس در مواد ۱، ۲، ۷ و ۱۰، همه اینانی جامعه انسانی را بهره‌مند از تمام حقوق دانسته و همه را در برابر قانون مساوی و به‌طور یکسان و بدون تبعیض، برخوردار از حمایت قانون اعلام کرده است. میثاق در مواد ۲/۱، ۱۴/۱ و ۲۶ با عباراتی مشابه، حق برخورداری مساوی از حقوق را پیش‌بینی و مقرر کرده است. در این اسناد، تساوی افراد در مقابل قانون و دادگاه، به‌عنوان یکی از تضمین‌های لازم برای منصفانه بودن دادرسی معرفی شده است (حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۳۵). همچنین کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض نژادی، کنوانسیون منع و مجازات جنایت آپارتاید، اعلامیه مربوط به امحای نابدباری مذهبی و رفع تبعیضات مذهبی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دولت‌های عضو را به مراعات اصل تساوی افراد در برابر قانون و طرد و نفی هر نوع تبعیض و تمایز مکلف کرده‌اند. افزون بر این مقررات عام، اصل ۵ از مجموعه اصول، اصل ۲ از اصول اساسی رفتار با زندانیان و قاعده ۶/۱ از قواعد حداقل، هیچ نوع تبعیضی را در نحوه برخورد با زندانیان که ناشی از پیش‌داوری درباره نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، مذهب، افکار سیاسی و یا هر نوع طرز تفکر دیگر، خاستگاه ملی، اجتماعی، مالی، محل تولد و هر شرایط دیگر باشد، مجاز ندانسته است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در اصول مختلف از جمله بندهای ۸، ۹ و ۱۴ اصل ۳ و اصول ۱۹ و ۲۰، در رابطه با عدم تبعیض بر اساس زبان، نژاد و قومیت و برخورداری یکسان همه اقوام و نژادها از حقوق و آزادی‌ها تصریح و تأکید دارد. «در هیچ یک از اصول قانون اساسی و یا قوانین عادی برای برخورداری از هیچ حقی یا احراز شغل و منصب و سمتی، تعلق به قومیت یا نژاد یا زبان خاصی قید نشده و یا وابستگی به آن‌ها ممنوع و محروم نشده‌اند.» (مهرپور، ۱۳۷۸: ۱۸۱). در رابطه با جنسیت و اقلیت‌های دینی، هر چند مسئله قدری متفاوت است، لیکن در مرحله دادرسی، هیچ یک از آن‌ها، تأثیری در وضعیت اشخاص متهم ندارد و برابر قوانین و مقررات جاری از جمله قانون آیین دادرسی کیفری و ماده واحده قانون حفظ حقوق شهروندی، متهمان زن و غیر مسلمانان اعم از اقلیت‌های رسمی و غیر رسمی همانند سایر متهمان، از تمامی حقوق و آزادی‌های مقرر قانونی برخوردار بوده و با همان تفصیلی که قبلاً بیان شد، به‌طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند. آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، هر چند فاقد ماده صریح و جامعی درباره لزوم عدم تبعیض و رعایت حق بهره‌مندی متهمان از حقوق مساوی است، اما در برخی از مواد آن، از جمله مواد ۷۴، ۹۵، ۹۷ و ۱۳۵ به مصادیقی از لزوم و ضرورت عدم برخورد تبعیض

آمیز با متهمان اشاره شده است. بدین ترتیب به استناد مقررات پیش گفته، می‌توان گفت که نظام حقوقی ایران، الزام به رعایت حق برخورداری از حقوق مساوی متهمان را در مرحله دادرسی، مد نظر قرار داده و برای نقض آن ضمانت اجرا (ماده ۵۷۰ ق. م. ا.) نیز تعیین کرده است. با این وجود، به نظر می‌رسد به منظور رفع هر گونه شبهه در خصوص وجود چنین الزامی برای نظام قضایی و ایجاد هماهنگی کامل بین قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی پذیرفته شده توسط ایران و تضمین هر چه بهتر و بیشتر اصل تساوی حقوق متهمان، پیش بینی و وضع مقرر قانونی دقیق، جامع و کاملی در این خصوص از ضروریات اجتناب ناپذیر است.

۳-۳- عدم شکنجه و اذیت و آزار متهمان

شکنجه^۱ را به تحمیل درد شدید به جسم یا روان برای تنبیه یا گرفتن اعتراف یا اطلاعات یا لذت از زجر دیگری معنی کرده‌اند (Garner, 2004, 1528). مبنا و اساس ممنوعیت شکنجه، اعتقاد به اصل برائت یا فرض بی گناهی متهمان و اصل کرامت ذاتی انسان است. استفاده از شکنجه به عنوان ابزاری برای اعمال فشار به منظور حفظ امنیت و اقتدار سیاسی و یا وادار کردن متهمان به ارائه اطلاعات و یا اقرار، در حقیقت نوعی استفاده ابزاری از فرد است که ضمن مغایرت با اصل برائت، انکار و نادیده گرفتن کرامت و شرافت ذاتی انسانی نیز می‌باشد (حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۷).

به رغم پیشینه بسیار طولانی بهره برداری از شکنجه و گستردگی جغرافیایی استفاده از آن، امروزه به دلیل ارتقاء منزلت و جایگاه انسان در پرتو نظام جهانی حقوق بشر، لزوم در معرض شکنجه قرار نگرفتن شهروندان، هم در اسناد بین‌المللی و هم در قوانین داخلی کشورها، به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین بشر شناخته شده و مورد تأکید فراوان قرار گرفته است.

نظام حقوق بشری سازمان ملل از همان روزهای نخستین در تلاش برای از بین بردن شکنجه بوده و قطع نامه‌های متعددی در این مورد صادر کرده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۵ حکم کرده: «احدی را نمی‌توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسانیت یا موهن باشد» ماده ۷ و بند ۳ (ز) ماده ۱۴ میثاق، ماده ۳ هر چهار قرارداد ژنو (۱۹۴۹) و ماده ۹۹ قرارداد سوم، بند الف ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک، قاعده ۵۴/۱ از قواعد حداقل استاندارد، اصول ۱ و ۶ از مجموعه اصول، بیانیه ۱۹۷۵ مجمع عمومی سازمان ملل در خصوص حمایت از اشخاص در برابر شکنجه، تنبیهات و رفتارهای خشن، غیر انسانی یا موهن و مواد مختلف کنوانسیون منع شکنجه (۱۹۸۴) به ویژه مواد ۲ و ۴، شکنجه را به طور مطلق منع کرده و کشورهای عضو را به اتخاذ تدابیر مؤثر قانونی، اداری، قضایی برای جلوگیری از وقوع هر نوع شکنجه‌ای در قلمرو حاکمیت خود متعهد کرده‌اند. به موجب مقررات ماده ۴

میشاق، ممنوعیت شکنجه در نظام حقوق بین‌الملل، قاعده‌ای مطلق است و بهانه‌هایی هم چون اطاعت از دستور مافوق و یا وجود پیشامدهای اضطراری نظیر وضعیت جنگی، تهدید امنیت داخلی، تهاجم خارجی، تروریسم، به هیچ وجه اعمال شکنجه و یا رفتارهای خشن، غیرانسانی و تحقیرآمیز را توجیه نمی‌کند (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۹۹۵: ۵۹). در کنار اسناد بین‌المللی، در اسناد منطقه‌ای حقوق بشر نیز تأکید بسیاری بر ممنوعیت شکنجه صورت گرفته است.

گسترده‌گی این ممنوعیت و پذیرش جهانی آن، سبب شده که امروزه منع شکنجه، تبدیل به یک قاعده عرفی بین‌المللی گردد. به همین دلیل تبعیت از آن برای همه دولت‌ها حتی دولت‌هایی که طرف هیچ یک از معاهدات یا قراردادهای حقوق بشر قرار نگرفته‌اند، الزامی است (حیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۹). حق آزاد بودن از شکنجه و رفتارهای ظالمانه یا تحقیرآمیز، در حقوق داخلی بسیاری از کشورهای جهان از جمله ایران نیز پیش‌بینی شده است. قانون‌گذار ایران در اصل ۳۸ و اصل ۳۹ ق.ا. و ماده واحده قانون حفظ حقوق شهروندی هرگونه شکنجه، اذیت و آزار، هتک حرمت و حیثیت متهم را ممنوع اعلام کرده است. ضمانت اجرای کیفری نقض این حق در ماده ۵۷۸ ق.م.ا. به صورتی ناقص، بیان شده است. علت نقص ماده اخیر این است که در متن ماده، فقط «اذیت و آزار بدنی» جرم انگاری شده و نوع دیگر شکنجه یعنی اذیت و آزار روانی، مورد توجه قانون‌گذار قرار نگرفته است.

گذشته از این نکته، برخی از نویسندگان اذعان داشته‌اند که در ایران برخلاف نظام حقوق بشر بین‌المللی، ممنوعیت شکنجه مطلق نیست؛ زیرا در قانون اساسی ایران اصل ممنوعیت شکنجه محدود به گرفتن اقرار یا کسب اطلاع گردیده است، درحالی‌که احتمال شکنجه با انگیزه‌های دیگر نیز وجود دارد (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۸۴). به نظر می‌رسد این گفته از دقت کافی برخوردار نیست؛ زیرا این نقص به وسیله اصل ۳۹ ق.ا. و ماده واحده قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، جبران شده است.

۳-۴- الزام به تعیین تکلیف متهم در کوتاه‌ترین زمان ممکن

یکی از الزامات نظام قضایی، تعیین تکلیف وضعیت متهم از حیث توجه و یا عدم توجه اتهام به او، در کوتاه‌ترین زمان ممکن است. این الزام ریشه در فرض برائت دارد و در واقع احترام به ارزش و کرامت ذاتی یک انسان است که در موضع اتهام قرار گرفته است. منظور از کوتاه‌ترین زمان، معقول و مناسب بودن^۱ مدت تحقیقات مقدماتی و انجام اقدامات لازم به منظور تکمیل تحقیقات، بدون تأخیر غیر ضروری^۲ است. اهمیت و ضرورت توجه به این الزام، در مواردی که متهم در بازداشت باشد، دوچندان می‌شود. میشاق در بند ۳ ماده ۹ و بند ۳ ماده ۱۴ به بیان این حق پرداخته و آن را مورد تأکید قرار داده است. اصل ۳۷ مجموعه

1. Reasonable and Adequate

2. Undue delay

اصول، نیز در این راستا لزوم رسیدگی قضایی فوری درباره قانونی بودن و ضرورت بازداشت متهم را پیش بینی کرده است. کمیته حقوق بشر، بین تضمین مندرج در بند ۳ ماده ۱۴ و بند ۳ ماده ۹ میثاق در خصوص محاکمه افراد بازداشتی در مدت زمان معقول تفاوتی قابل نیست و نقض یکی را به منزله نقض دیگری دانسته است. پیش‌بینی چنین الزامی برای نظام قضایی، این حق را برای متهم ایجاد می‌کند که تحقیقات و جمع‌آوری دلایل اتهام در کوتاه‌ترین زمان ممکن انجام شود. کمیته پیش گفته، در یک اظهارنظر کلی بیان داشته که برخورداری از حق مورد بحث هنگامی است که در تمام مراحل رسیدگی اعم از بدوی و استیناف و تجدید نظر هیچ گونه تأخیر غیر ضروری صورت نگرفته باشد (امیدی، ۱۳۷۹: ۴۳). دیوان اروپایی حقوق بشر، «مهلت یا مدت معقول» را مفهومی مبهم دانسته که باید با لحاظ اوضاع و احوال هر مورد خاص بررسی شود. این دیوان، به منظور بررسی معقول بودن مدت رسیدگی و دادرسی، معیارهایی همچون پیچیدگی دعوا، رفتار متهم و نحوه عمل مقامات قضایی صلاحیت دار را ارائه کرده است. به‌طور کلی، نظر دیوان بر این است که چنانچه در رسیدگی به پرونده، هیچ‌گونه سستی و اهمالی از سوی مقامات قضایی رخ ندهد باشد، مهلت معقول را باید رعایت شده تلقی کرد (آشوری و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۱۹-۳۱۵ و ۳۴۰-۳۳۹).

علت و فلسفه این الزام، استظهار متهم به اصل برائت و ضرورت تعجیل در پایان اضطراب و احساس ناامنی متهم و خاتمه دادن به بحران روانی و اجتماعی و سایر زیان‌هایی است که برای متهم و خانواده‌اش در اثر ایراد اتهام، ایجاد شده است (حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۲۵). در نظام حقوقی ایران، اصل ۳۲ ق.ا. به بیان الزام مزبور پرداخته است. قانون‌گذار عادی، در ماده ۴۰ ق.ا.د.د.ع.ا. در امور کیفری به لزوم عدم تأخیر در جمع‌آوری اسباب و دلایل جرم تأکید کرده و در مواد ۱۲۳ و ۱۲۷ همان قانون، تکلیف معرفی بلافاصله متهم به مرجع قضایی صلاحیت دار و لزوم شروع بی‌درنگ تحقیقات توسط قاضی را مورد حکم قرار داده است. البته در هر دو ماده، قید «بلافاصله» را به تبعیت از اصل ۳۲ ق.ا. برای مدت حداکثر ۲۴ ساعت توسعه داده و تجاوز از این مهلت را غیرقانونی و مستوجب مجازات معرفی و ضمانت اجرای کیفری آن را در ماده ۵۷۵ ق.م.ا. تعیین کرده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود آنچه مقید به قید زمان شده و برای آن ضمانت اجرا تعیین گردیده، معرفی متهم به مرجع قضایی و شروع تحقیقات است و در خصوص تعجیل در اتمام تحقیقات، به غیر از عبارت مندرج در ماده ۴۰ پیش گفته که آن هم در مقام بیان ضرورت پیشگیری از امحای آثار و علائم جرم است، قانون‌گذار هیچ بیان دیگری ندارد که با توجه به اهمیت موضوع و مشکلات عملی مترتب بر این عدم بیان، اصلاح قوانین موجود در این خصوص و وضع قواعد دقیق، صحیح و عملی ضرورتی انکار ناپذیر است. رویه اتخاذ شده توسط دیوان اروپایی حقوق بشر، در این ارتباط قابل بهره‌برداری و در خور توجه به نظر می‌رسد.

۴- الزامات مربوط به حق دفاع متهم

حق دفاع^۱ یا آزادی دفاع، از لوازم اجتناب ناپذیر اجرای عدالت و یکی از آثار مهم فرض برائت است که به موجب آن شخص می‌تواند در مورد اتهامی که علیه او طرح شده، آزادانه از خود دفاع و رفع اتهام کند (مؤتمنی، ۱۳۸۲: ۷۲). منظور از این حق، مجموع تضمینات قانونی و قضایی پیش‌بینی شده برای متهمان در سراسر یک رسیدگی کیفری، با هدف اتخاذ تصمیمی عادلانه و به دور از اشتباهات قضایی است (آشوری، ۱۳۷۶: ۱۴۴). حمایت از حق دفاع متهم در دادرسی کیفری در حقیقت تضمین رعایت حقوق طبیعی اشخاص به ویژه حق حیات و آزادی ایشان است. از این رو در اسناد بین‌المللی، به تبع الزام به حفظ حقوق طبیعی، حق دفاع متهم و آثار و لوازم آن، به عنوان تضمین حقوق مزبور به رسمیت شناخته شده و مجدانه مورد حمایت قرار گرفته است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۱ لزوم تأمین کلیه تضمین‌های لازم جهت دفاع را مورد تأکید قرار داده و میثاق در بند ۳ ماده ۱۴، به بیان مهم‌ترین تضمین‌ها، به عنوان حداقل تضمینات دفاعی پرداخته است. تنظیم‌کنندگان میثاق، در واقع اساسی‌ترین شاخصه‌های یک محاکمه منصفانه را به عنوان حداقل تضمینات دفاعی ذکر کرده‌اند (امیدی، ۱۳۷۹: ۳۴). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت صحبتی در این زمینه نکرده است، لیکن روح حاکم بر آن و مستفاد از برخی اصول نظیر اصل ۳۲، اصل ۳۵، اصل ۳۷ و اصل ۳۸ بیانگر توجه و عنایت قانون‌گذار به حق دفاع متهم و تضمینات آن است. قوانین عادی از جمله ماده واحده قانون حفظ حقوق شهروندی (بند ۳) و برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری که در زیر به آن‌ها اشاره خواهد شد، مؤید این نظر می‌باشند.

نکته قابل توجه این است که مقررات راجع به تضمینات دفاعی متهم، آیین تمام‌نمای اجرای عدالت کیفری در یک جامعه است و هر قدر این مقررات به‌نحو بهتری حقوق متهم را تضمین کنند، عدالت کیفری در آن جامعه، بیشتر تأمین خواهد شد. تقنین و اجرای هر چه بهتر مقررات راجع به حق دفاع متهم، به‌عنوان بخشی از توسعه قضایی، می‌تواند مایه فخر و مباهات هر ملتی باشد. در این قسمت با محور قرار دادن مقررات میثاق، به تبیین مهم‌ترین تضمینات پیش‌گفته می‌پردازیم.

۴-۱- الزام به اعلام علت بازداشت و تفهیم اتهام

هر کس به ارتکاب جرمی متهم شود، باید از ماهیت و دلایل اتهام، قبل از شروع تحقیقات مطلع گردد تا بتواند وسایل دفاع مناسب را تدارک کند. آگاهی از علت بازداشت و تفهیم اتهام^۲، از حقوق اساسی متهم و یکی از مهم‌ترین تضمین‌های حق دفاع اوست. با تفهیم اتهام، تضمینات حق دفاع جنبه عملی پیدا کرده و

1. Right of defence
2. The realization of the accusation

متهم امکان دفاع و رد اتهام یا اتهامات را به دست می‌آورد. منظور از تفهیم اتهام، اعلام رسمی رفتار مجرمانه به متهم از سوی قاضی بازداشت‌کننده، به زبان و به شیوه‌ای که با توجه به شرایط خاص هر متهم، برای او قابل فهم باشد (اشوری، ۱۳۸۵: ۱۰۴). تفهیم اتهام به دلیل اهمیت وافر که دارد مورد توجه و تأکید اسناد بین‌المللی حقوق بشر نیز قرار گرفته است. بند ۳ ماده ۱۴ میثاق در این خصوص مقرر می‌دارد: «هر کس متهم به ارتکاب جرمی بشود با تساوی کامل لاقول حق تضمین‌های ذیل را خواهد داشت: الف) در اسرع وقت و به تفصیل به زبانی که او بفهمد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده می‌شود مطلع گردد. ب) ...». علاوه بر تفهیم اتهام توسط مرجع قضایی، میثاق در بند ۲ ماده ۹، مطلع کردن متهم دستگیر شده از علت و دلیل دستگیری در همان لحظه توقیف را نیز لازم دانسته و به آن تصریح کرده است. این الزام با عباراتی مشابه، در اصل ۱۰ از مجموعه اصول نیز مورد حکم قرار گرفته است.

از قید «در اسرع وقت» مندرج در جزء الف بند ۳ ماده ۱۴ میثاق، استفاده می‌شود که مطلع کردن متهم از نوع و علل اتهام باید در ابتدایی‌ترین مراحل تحقیقات صورت گیرد تا بین متهم و مقام تعقیب، تساوی سلاح‌ها یا موازنه قوا ایجاد شود و متهم فرصت کافی برای دفاع مناسب را به دست آورد. این اطلاع باید «به تفصیل» و کامل باشد، بنابراین لازمه تفهیم اتهام، شرح جزئیات رویداد مجرمانه (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۵۹) و اعلام مواد قانونی ناظر بر اتهام و ارائه دلایل توجه اتهام به متهم است (امیدی، ۱۳۷۹: ۳۴). نکته دیگر مورد تأکید میثاق، این است که در تفهیم اتهام باید از کلمات، اصطلاحات و عباراتی استفاده شود که برای متهم قابل فهم و درک باشد و در این خصوص تفاوتی بین متهم هم زبان با متهم غیر هم زبان با مرجع قضایی وجود ندارد. از نظر اسناد بین‌المللی، شیوه تفهیم اتهام و کتبی یا شفاهی بودن آن، موضوعیت ندارد؛ آنچه از اهمیت برخوردار است آگاه شدن متهم از موضوع اتهام به صورتی که بتواند از خود دفاع کند. در نظام حقوقی ایران نیز به این الزام توجه شده و اصل ۳۲ قانون اساسی به آن اختصاص یافته است. اما بر خلاف میثاق در اصل ۳۲ ق.ا. لزوم «به تفصیل بودن» تفهیم اتهام مورد تصریح قرار نگرفته است. آگاه کردن متهم به نحو اختصار می‌تواند به حق دفاع او خلل وارد کند چرا که نتیجه دریافت اطلاعات ناقص، تقدیم دفاعیه نارسا خواهد بود (اردبیلی، ۱۳۸۵: ۵۹). در اصل ۳۲ هر چند برخلاف میثاق، به استفاده از زبان قابل فهم متهم تصریح نشده، اما به کار بردن اصطلاح تفهیم اتهام رساننده همان معناست. ماده ۱۲۹ ق.ا.د.د.ع.ا. در امور کیفری در ارتباط با الزام مزبور، این گونه مقرر کرده است: «قاضی ... موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می‌کند آن گاه شروع به تحقیق می‌نماید.» بنابراین تفهیم اتهام به وکیل متهم و یا بستگان او و اجمال و ابهام (عدم صراحت) در بیان هر کدام از موضوع و یا دلایل اتهام، موجب فقدان اعتبار قانونی تفهیم اتهام می‌گردد. عدم رعایت مقررات راجع به نحوه تفهیم اتهام در حقوق ایران،

فراسوی مجازات انتظامی، فاقد ضمانت اجرای مشخصی است. این نقص می‌تواند موجبات اخلال در حقوق دفاعی متهم را فراهم سازد.

۴-۲- الزام به اعلام حق سکوت به متهم

یکی دیگر از الزامات نظام قضایی در مرحله تحقیقات مقدماتی، اعلام حق سکوت^۱ به متهم است. به موجب این حق، متهم می‌تواند پاسخ سؤالات را ندهد و سکوت اختیار کند، بدون این که این سکوت به زیان او مورد استناد قرار گیرد و یا دلیلی بر صحت یا تأیید خبری تلقی شود. در این گونه موارد، مرجع قضایی مجاز به وادار کردن او به پاسخگویی نیست. برخورداری از چنین حقی، به خصوص در شرایط فقدان وکیل که متهم نا آشنا با قوانین ممکن است اغفال یا دچار توهّم و تناقض‌گویی شود، بسیار مهم و تأثیرگذار خواهد بود. مهم‌ترین مبنای حق سکوت، اصل برائت و اصل آزادی اراده و اختیار است. اظهارات متهم در صورتی معتبر و قابلیت استناد دارند که با اختیار و اراده‌ای آزاد بیان شده باشند. بنابراین عدم امکان اجبار متهم به اعتراف و سخن گفتن به این معنا خواهد بود که او در مراحل مختلف دادرسی از حق سکوت برخوردار است. قاعده بار اثبات^۲ نیز دلالت بر حق سکوت متهم دارد. فوستن هلی^۳ از حقوق‌دانان فرانسوی قرن ۱۹ میلادی در تبیین لزوم پذیرش حق موصوف بیان می‌دارد وقتی که متهم می‌تواند هر آنچه به او نسبت دهند منکر شود، چرا نتواند سکوت کند، حال که اظهارات او ممکن است کذب باشد چرا نتواند اصلاً چیزی اظهار نکند؟ (اردیلی، ۱۳۸۵: ۲۱۴).

در اسناد بین‌المللی به ویژه معاهدات حقوق بشری از جمله بند ۳ ماده ۱۴ میثاق، بند ۲ ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹)، به این حق متهم که بتواند آزادانه از قدرت انتخاب خود برای پاسخگویی به سؤالات یا امتناع از آن استفاده کند، عنایت شده است (مواد ۵۵ و ۶۷). بدین ترتیب برخورداری متهم از حق سکوت و عدم امکان اجبار او به اعتراف یا شهادت نزد مقامات انتظامی و قضایی، در حقوق بین‌الملل به یک قاعده عرفی تبدیل شده است و همه دولت‌ها مکلف به رعایت آن هستند (اردیلی، ۱۳۸۳: ۲۱۵). در نظام حقوقی ایران، هر چند این حق، در قانون اساسی به صراحت بیان نشده است، لیکن برخی از اصول این قانون نظیر اصل ۲۳، اصل ۳۷ و اصل ۳۸ می‌توانند توجیه‌کننده این حق باشند. علاوه بر اصول یاد شده، قانون‌گذار ایران در برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری از جمله مواد ۱۲۹، ۱۹۴ و ۱۹۷ و بند ۹ و ۱۱ ماده واحده قانون حفظ حقوق شهروندی به صراحت این حق را برای متهمان به رسمیت شناخته، اما پلیس و مقامات قضایی را مکلف به اعلام وجود چنین حقی به متهم نکرده است.

1. Right of Silence
2. burden of proof
3. Faustin Helie

حق سکوت متهم، به رغم پذیرش آن در اسناد بین‌المللی و مقررات داخلی، یکی از حقوقی است که به ندرت متهمان از آن استفاده می‌کنند. بسیاری از افرادی که در معرض اتهام قرار می‌گیرند، به هنگام بازجویی توسط مقام قضایی و پلیس، از داشتن چنین حقی و این که عدم پاسخ به سؤالات مقامات قضایی و مأموران حق آنان است، آگاه نیستند و یا به دلیل شرایط نامطلوب و بحران روحی و روانی که در آن قرار گرفته‌اند، دچار غفلت شده و به این نکته توجه نمی‌کنند که هر چه را بگویند ممکن است در دادگاه علیه آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد. به همین دلیل انصاف اقتضاء می‌کند که در ابتدای جلسه تحقیق، مقام تحقیق خواه پلیس باشد و خواه قاضی دادسرا، ملزم گردد این حق را به متهم یادآور شود؛ کما اینکه امروزه در برخی از کشورها نه تنها حق سکوت متهم به رسمیت شناخته شده بلکه پلیس مکلف است پس از احضار یا جلب متهم علاوه بر استعمال هویت و اعلام صریح اتهام، متذکر شود که متهم الزامی به پاسخگویی ندارد؛ اما اگر حرفی بزند، ممکن است، متعاقباً علیه وی استفاده شود (اردبیلی، ۱۳۸۳: ۲۱۵).

۴-۳- الزام به دادن فرصت و تسهیلات لازم برای تمهید دفاع

حق دفاع از طبیعی‌ترین حقوق فردی و از لوازم ضروری و اجتناب‌ناپذیر یک دادرسی منصفانه و عادلانه است. از آثار پذیرش این حق، الزام به دادن فرصت کافی و تسهیلات لازم، جهت تدارک وسایل دفاعی در تمامی مراحل فرایند دادرسی است. به موجب این الزام باید به متهم امکان تهیه اسناد، مدارک و گفتگو با وکیل، شهود و در صورت نیاز کارشناسان دیگر، اعطا شود و متهم در زمان تحقیقات نیز بتواند از فرصت کافی برای رد اتهام‌ها استفاده کند. در بازداشت بودن متهم، اهمیت توجه به این الزام را بیشتر می‌کند. اسناد بین‌المللی حقوق بشر الزام مزبور را مورد توجه قرار داده‌اند. قسمت ب بند ۳ ماده ۱۴ میثاق در این خصوص مقرر می‌دارد: «وقت و تسهیلات کافی برای تهیه دفاع و ارتباط با وکیل منتخب خود را داشته باشد.» کافی بودن وقت و تسهیلات، امری کاملاً نسبی بوده و در ارتباط با مصادیق مختلف و تحت تأثیر مسایلی همچون نوع و ماهیت اتهام، پیچیدگی و دلایل توجه آن، شمار اتهامات وارده، می‌تواند متفاوت باشد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل در یک توضیح کلی اظهار داشته که منظور از تسهیلات، فراهم کردن امکان دسترسی به کلیه اسناد و دلایل موثر در دفاع و فرصت عقد قرارداد و کالت و مذاکرات لازم با وکیل منتخب است (امیدی، ۱۳۸۲). بنابراین پیش از آغاز مرحله محاکمه باید تمامی محتویات پرونده تحقیقات، اعم از لیست شهود و اظهارات آن‌ها، سایر دلایل و مدارک مدعی و اسناد و مدارک دادستان به منظور تهیه دفاعیه در اختیار متهم و وکیل وی قرار گیرد و نباید هیچ مطلبی که می‌تواند در محکومیت متهم مؤثر باشد، از او پوشیده بماند. دلیل این موضوع، این است که دفاع در مقابل موضوع مبهم، مجمل و یا نامعلومی که بر زوایای مختلف آن اشراف کامل وجود نداشته باشد، بسیار دشوار و همراه با کاستی‌های قابل توجه خواهد

بود. این حق به ویژه در سیستم قضایی نفتیشی که تحقیقات ابتدایی توسط دادستان یا پلیس صورت می‌گیرد، از اهمیت بیشتر و قابل توجه تری برخوردار است. در برخی از کشورها دسترسی وکیل مدافع به پرونده‌ها اصولاً از اولین مرحله رسیدگی امکان پذیر است مگر اینکه این اقدام موفقیت تحقیقات را به خطر بیندازد که در این با محدودیت همراه خواهد بود (Eser, 1996). دیوان اروپایی حقوق بشر، ممانعت از مطالعه پرونده توسط متهم با وجود دسترسی وکیل وی به آن را ناقض این الزام نمی‌داند (آشوری و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۵۳). در قانون اساسی ایران، اشاره صریحی به حق دفاع متهم نشده و در خصوص الزام نظام قضایی به دادن فرصت و تسهیلات لازم برای تمهید دفاع، غیر از تفهیم اتهام افراد دستگیر شده، مقرر در اصل ۳۲، مطلب دیگری بیان نگردیده است. قانون‌گذار عادی در بند ۳ قانون حفظ حقوق شهروندی، محاکم و دادسراها را به رعایت حق دفاع متهمان مکلف کرده است. اما برابر مقررات آیین دادرسی کیفری، متهم و یا وکیل او در مرحله دادسرا که مهم‌ترین مرحله در فرایند دادرسی محسوب می‌شود و تأثیر تعیین کننده‌ای در سرنوشت پرونده دارد، امکان دسترسی به پرونده را ندارند (ماده ۱۹۰ ق. آ. د. د. ع. ا. در امور کیفری).

۴-۴- الزام به رعایت حق بهره‌مندی متهم از وکیل مدافع

حق بهره‌مندی از راهنمایی و مشورت با یک وکیل حقوقدان، از حقوق مهم و قابل توجه متهم است، زیرا شهروندان بسیار اندکی از مهارت حقوقی برخوردارند و این بدان معناست که اکثریت افراد، قادر به تهیه و ارائه دفاعیه مناسب با استفاده از راه کارهای حقوقی و قانونی نیستند. اهمیت تضمین این حق در مرحله دادسرا به دلیل تأثیری که وکیل در نحوه شکل‌گیری پرونده اتهامی می‌تواند داشته باشد، از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است. اسناد بین‌المللی متعددی بر لزوم بهره‌مندی متهم از این حق و ضرورت تضمین آن تأکید کرده‌اند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر هرچند به صراحت به این موضوع نپرداخته، لیکن در بند ۱ ماده ۱۱ تأمین کلیه تضمین‌های لازم جهت دفاع متهم را مورد اشاره قرار داده است. میثاق در بند ۳ ماده ۱۴، لزوم آگاه ساختن متهم از حق بهره‌مندی از وکیل و تأمین فرصت و تسهیلات گفتگوی متهم با وکیل منتخب خود را پیش بینی کرده است. هم چنین در بند ۱ اصل ۱۷ مجموعه اصول، لزوم بهره‌مندی از معاضدت وکیل در سراسر فرایند دادرسی کیفری، به صراحت پیش‌بینی شده است.

در اصول ۱۱ و ۱۸ این مجموعه، پیش‌بینی‌های دیگری در خصوص چگونگی بهره‌مندی متهم از وکیل، محرمانه بودن مکالمات آن‌ها و ممنوعیت استراق سمع این مکالمات، لزوم تأمین وکیل مجانی برای متهمان بی بضاعت و موضوعات مرتبط دیگر، صورت گرفته است. بازبینی پرونده‌ها و اسناد همراه وکیل و شنود مکالمات تلفنی او توسط کارکنان زندان ممنوع است (سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، ۱۹۹۵: ۱۲۵). قاعده

۹۳ از قواعد حداقل، قسمت سوم بند ۲ ماده ۵۵ و قسمت چهارم بند ۱ ماده ۶۷ اساس‌نامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز در ارتباط با الزام نظام قضایی به رعایت حق بهره‌مندی از معاضدت وکیل، وضع شده‌اند. کمیته حقوق بشر در یک تفسیر کلی از تضمین مزبور، چنین اظهار نظر کرده است که متهم یا وکیل او باید حق شرکت و دفاع فعال در تمام مراحل فرایند تحقیق و رسیدگی را داشته باشند (امیدی، ۱۳۷۹). دیوان اروپایی حقوق بشر نیز، حق استفاده از معاضدت وکیل مدافع را در سراسر فرایند دادرسی کیفری و از همان مرحله نخستین تحقیقات پلیس، مورد تأکید قرار داده است (آشوری و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۵۵). تأثیر حضور یک وکیل آشنا با مسائل حقوقی در کنار متهم در طول فرایند رسیدگی و تحقیقات، در بهره‌مندی هر چه بهتر و صحیح‌تر متهم از سایر حقوق قانونی خود، نقش و تأثیر این الزام را دوچندان می‌سازد. همراهی متهم به وسیله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی سبب برقراری توازن و کمک به تحقق اصل تساوی سلاح‌ها و جلوگیری از نابسامانی در امر تحقیق به ضرر وی نیز می‌گردد (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۵).

در ایران، روند تحول حق بهره‌مندی متهم از معاضدت وکیل مدافع در مرحله دادرسی، هماهنگ با اسناد بین‌المللی صورت نگرفته است. به دنبال تأکید روزافزون اسناد بر این حق متهم، سرانجام قانون‌گذار ایران در سال ۱۳۳۵ با اصلاح قانون آیین دادرسی کیفری، تبصره‌ای به ماده ۱۱۲ این قانون افزود. در این تبصره، ضمن پذیرش حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی، او را از «مداخله در امر تحقیق» منع کرد و با تعیین محدودیت‌ها و عدم الزام مقامات دادرسی به اعلام حق داشتن وکیل به متهم، این حق حضور را کم‌رنگ و انفعالی ساخت. در قانون جدید آیین دادرسی کیفری نیز در راستای رفع محدودیت‌های قانونی موجود و تضمین بهتر و بیشتر این حق، اقدامی صورت گرفت و در واقع با افزایش قیود و محدودیت‌ها، اصل داشتن وکیل در این مرحله مخدوش شد. در این قانون، تبصره ماده ۱۱۲ قانون قبلی به عنوان ماده ۱۲۸ منظور و به آن تبصره‌ای اضافه شد. این تبصره، به دلیل ابهام و قابلیت تفسیر موسع و سلیقه‌ای عبارات آن، تا حدود زیادی حق داشتن وکیل در مرحله دادرسی را منتفی ساخته است. بند ۳ ماده واحده قانون حقوق شهروندی (۱۳۸۳) که مؤخر بر قانون آیین دادرسی کیفری است، به صورتی مطلق و صریح، حق داشتن وکیل را در دادرسی، مورد حکم قرارداد و مقررات آیین دادرسی کیفری را در این زمینه نسخ و محدودیت‌های آن را از بین برد اما این وضع چندان دوام نیافت و حدود ۵ ماه بعد، بند ۷ ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه، با پیش‌بینی همان قیود مندرج در تبصره ماده ۱۲۸ مزبور، وضعیت را به شکل سابق برگرداند. این مقررات، حقوق دفاعی متهم را در این مرحله حساس دادرسی کیفری تضعیف و در مواردی او را از یکی از اساسی‌ترین تضمینات دفاعی محروم کرده است. به خصوص که مقنن در مرحله تحقیقات مقدماتی در مورد حق درخواست وکیل تسخیری سکوت اختیار کرده و این حق را فقط در مرحله دادرسی به رسمیت شناخته است (حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۳۰).

۴-۵- رعایت حق بهره‌مندی از مترجم رایگان

در مواردی که متهم با زبان مقامات قضایی و پلیس آشنا نیست و توانایی فهم و درک آن را ندارد و یا بنا به هر دلیلی از جمله لال بودن، قادر به تکلم با آن زبان نباشد، امکان بهره‌مندی او از مترجم رایگان از لوازم اعمال حق دفاع به نحو مؤثر است. میثاق در قسمت ششم بند ۳ ماده ۱۴ این موضوع را به عنوان یکی از تضمین‌های حداقلی دفاع متهم مورد تأکید قرار داده است. این مقرره، حق ترجمه رایگان را به صورت مطلق پیش بینی کرده و برخلاف برخورداری از وکالت رایگان، آن را مشروط به عجز متهم از پرداخت هزینه نساخته است. بنابراین کمک رایگان مترجم، بدون لحاظ موقعیت مالی متهم باید در اختیار او قرار گیرد (امیدی، ۱۳۷۹). بنا به نظر دیوان اروپایی حقوق بشر، حتی در مواردی که تعقیب کیفری به محکومیت متهم منتهی شود، دولت‌ها حق مراجعه به او برای استیفای هزینه‌های پرداختی به مترجم را ندارند (آشوری و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۵۹). اصل ۱۴ از مجموعه اصول، حق بهره‌مندی فوری متهمان را از مساعدت مترجم رایگان در تمامی مراحل فرایند دادرسی، پیش بینی کرده است. نظر دیوان اروپایی حقوق بشر نیز بر این است که تضمین یاد شده محدود به ترجمه شفاهی در جلسه رسیدگی دادگاه نیست بلکه آنچه مدنظر است، ترجمه کتبی و شفاهی تمامی اسناد، مدارک و اظهارات مؤثر در دفاع، در تمام مراحل دادرسی است تا متهم ضمن فهم مطالب مطرح شده علیه او، بتواند به دفاع مؤثر از خود پرداخته و از یک دادرسی منصفانه بهره‌مند گردد. (آشوری و دیگران، ۱۳۸۳: ۳۵۹). در نظام حقوقی ایران، علاوه بر مقررات میثاق، این حق در مواد ۲۰۲، ۲۰۳ و ۳۰۲ ق. آ. د. ع. ا. در امور کیفری، به رسمیت شناخته شده است.

۴-۶- رعایت حق تحقیق و پرسش از شهود

یکی دیگر از الزامات نظام قضایی، رعایت حق متهم در خصوص مواجهه با گواهانی است که بر اساس اظهارات آن‌ها، تحت تعقیب قرار گرفته است؛ این حق در برگیرنده دو اصل مهم استماع و سؤال متقابل متهم از گواهان^۱ است (G. Hornberger, 2005). البته متهم حق اذیت کردن شاهد و تحکم نسبت به او و طرح سؤالات غیر مرتبط با پرونده را ندارد و در مقابل، شاهد نیز حق اصرار بر موارد ابطال شده توسط متهم را نخواهد داشت. قسمت پنجم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی این حق را پیش‌بینی کرده است. این ماده، حق مذکور را به دو نحو مورد شناسایی قرار داده است؛ اول حق پرسش از شهود توسط خود متهم به طور مستقیم و بدون واسطه و طریقه دوم پرسش از آنان به صورت غیرمستقیم و از طریق مقام قضایی رسیدگی کننده است. در این شیوه متهم سؤالاتی را که ممکن است موجبات برائت او را فراهم کنند از طریق قاضی از شهود می‌پرسد. میثاق امکان استفاده از حق مواجهه با گواهان را محدود به مرحله

مشخصی از فرایند دادرسی نکرده است. به همین دلیل، برابر این مقررہ متهم همواره و در تمامی مراحل، می‌تواند از این حق خود استفاده کند. البته لازمهٔ مراعات این تضمین، حضور متهم هنگام ادای شهادت شهود طرف مقابل نیست، هر چند او در مقام دفاع می‌تواند تکرار شهادت آن‌ها را درخواست کند. گفته شده که مرجع قضایی به عنوان یک امر ناشی از حق، این تکلیف را دارد که متهم را از حق احضار شهود موافق و مواجهه با شهود مقابل آگاه سازد (امیدی، ۱۳۷۹). در نظام حقوقی ایران، این موضوع به تفصیل در قانون آیین دادرسی کیفری، باب مربوط به کشف جرم و تحقیقات مقدماتی مواد ۱۴۸ به بعد بیان شده است. به موجب ماده ۱۵۱ این قانون، استماع شهادت شهود باید به انفراد و بدون حضور متهم انجام شود. لیکن در موارد ضرورت، استماع مجدد شاهد یا مواجههٔ او با متهم یا سایر گواهان مجاز و امکان پذیر است. بنابراین، مقررات آیین دادرسی کیفری به صورت کامل از این حق حمایت نکرده و آن را در تمامی حالات برای متهم تضمین نکرده است. به همین دلیل بین مقررات قانون موصوف و بند ۳ ماده ۱۴ میثاق، که آن نیز از ارزش قانونی برخوردار است هماهنگی کاملی وجود ندارد.

نتیجه‌گیری

در موضع اتهام قرار گرفتن و حتی بازداشت، افراد را از هیچ یک از حقوق و آزادی‌های خود محروم نمی‌کند. متهم بازداشتی فراسوی محرومیت نسبی از آزادی تردد، از سایر حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که به موجب اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی برای افراد به رسمیت شناخته شده، برخوردار است؛ اما شرایط خاص دوران اتهام، فرد را آسیب‌پذیرتر و حقوق و آزادی‌های او را در معرض خطر بیشتری قرار می‌دهد. به همین دلیل اسناد بین‌المللی حقوق بشر متعددی برای حمایت و تضمین این حقوق و آزادی‌ها اختصاص داده شده و در این اسناد الزامات متعددی برای نظام قضایی پیش‌بینی شده است. به دلیل انطباق این اسناد با حقوق فطری و طبیعی و محوریت احترام به شخصیت ذاتی انسان در آن‌ها، امروزه اسناد مزبور مورد پذیرش و عمل بسیاری از دولت‌های عضو سازمان ملل قرار گرفته‌اند، به گونه‌ای که برخی از آن‌ها تبدیل به عرف بین‌المللی شده‌اند. ایران نیز برخی از آن‌ها را پذیرفته و به تصویب رسانده است. با این وجود قوانین و مقررات داخلی به رغم پیش‌بینی حقوق یادشده در برخی از موارد، شفاف، دقیق و کامل نبوده و نیاز به اصلاح، شفافیت و تدقیق بیشتر دارد.

کتابنامه

قرآن مجید

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم: انتشارات تهذیب.
- آخوندی، محمود (۱۳۶۸)، **آیین دادرسی کیفری**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد (۱۳۷۶)، **عدالت کیفری**، تهران: گنج دانش.
- آشوری، محمد و دیگران (۱۳۸۳)، **حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت**، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- آشوری، محمد (۱۳۸۵)، **آیین دادرسی کیفری**، تهران: انتشارات سمت، پاییز.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۷۶)، گفتاری درباره شکنجه و پیشگیری از آن، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۲۱-۲۲، زمستان ۱۳۷۶ تا تابستان ۱۳۷۷.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۳)، **نگهداری تحت نظر، علوم جنایی (مجموعه مقالات)**، تهران: سمت، پاییز.
- اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۵)، تفهیم اتهام یا حق اطلاع از موضوع و دلایل اتهام، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۴۳ بهار و تابستان.
- الصالح، عثمان عبدالملک (۱۳۷۹)، حق امنیت شخصی افراد از دیدگاه اسلام، ترجمه و تحقیق از: دکتر سید فضل‌الله موسوی، **نامه علوم انسانی**، شماره ۳، پاییز.
- امیدی، جلیل، (۱۳۷۹)، **حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر، مجله کانون وکلا**، شماره ۱۷۱، زمستان.
- امیدی، جلیل، (۱۳۸۲)، **دادرسی کیفری و حقوق بشر؛ فصلنامه مجلس و پژوهش**، سال ۱۰، شماره ۳۸، تابستان.
- بولک، برنار، (۱۳۸۵)، **کیفرشناسی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات مجد، آبان.
- پرادل، ژان، (۱۳۸۱)، **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: انتشارات سمت، پاییز.
- پل کره، ژان، (۱۳۸۴)، **دورنمای اروپایی زندان**، ترجمه محمدرضا گودرزی و لیلا مقدادی، تهران: انتشارات مجد.

حبیب‌زاده، محمد جعفر و توحیدی، محمد، (۱۳۸۶)، قانون مداری در قلمرو حقوق کیفری، تهران: انتشارات دادگستر.

حبیب‌زاده، محمد جعفر، (۱۳۸۷)، حقوق کیفری در اسناد بین‌المللی حقوق بشر (تقریرات). خالقی، علی، (۱۳۸۷)، آیین دادرسی کیفری، تهران: شهردانش.

دانش، تاج‌زمان (۱۳۷۶)، حقوق زندانیان و علم زندان‌ها، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. راعی، مسعود: حقوق اقلیت‌ها در نظام علوی. بازیابی شده از:

www.dadgostary-tehran.ir/farsi/maghale/INDEXMaghale.HTM

رحیمی نژاد، اسمعیل، (۱۳۸۷)، کرامت انسانی در حقوق کیفری، تهران: نشر میزان.

رشاد، علی اکبر، (۱۳۷۹)، دمکراسی قدسی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

سازمان اصلاحات جزایی بین‌المللی، رویه عملی در زندان (ترجمه)، تهران: انتشارات راه تربیت، ۱۹۹۵.

شاملو، باقر، (۱۳۸۳)، اصل برائت کیفری در نظام‌های نوین دادرسی، علوم جنایی (مجموعه مقالات)، تهران: سمت.

شمس، علی، (۱۳۸۱)، حقوق زندانیان، تهران: انتشارات راه تربیت.

شریعتی، روح‌الله، (۱۳۸۱)، اقلیت‌های دینی (مجموعه‌ای از چشم‌انداز امام علی ۷)، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

صادقی، محمد هادی، (۱۳۸۰)، ممنوعیت شکنجه در حقوق اسلام، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره هفدهم، شماره اول، شماره پیاپی ۳۳، پاییز.

صادقی، محمد هادی، (۱۳۸۱)، جرم شکنجه در حقوق ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره نوزدهم، شماره اول، شماره پیاپی ۳۷، زمستان.

صفاری، علی، (۱۳۸۶)، کیفرشناسی، تهران: انتشارات جنگل.

ظاهر خانی، خیرا...، (۱۳۸۳)، بررسی حق دفاع متهم در حقوق، نشریه پیام آموزش، سال دوم، شماره ۷، فروردین و اردیبهشت.

طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، (۱۳۸۲)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

طیسی، نجم‌الدین، (۱۳۸۲)، حقوق زندانی و موارد زندان در اسلام، ترجمه سید محمدعلی احمدی ابهری و سایرین، قم: مؤسسه‌ی بوستان کتاب.

علمی، رضا، (۱۳۴۸)، روش اداره زندان، تهران: انتشارات اقبال.

علی‌پور، مهدی، مجموعه‌ی بخشنامه‌های صادره از سوی ریاست قوه قضائیه مربوط به زندان و زندانی تا خرداد ۱۳۸۲.

گودرزی بروجردی، محمدرضا و الوندی، مظفر، (۱۳۸۲)، حقوق بشر در نظام کیفری و زندان‌ها، تهران: انتشارات راه تربیت.

محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۶) اصول فقه، دفتر سوم: اصول عملیه و تعارض ادله، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.

مؤذن‌زادگان، حسنعلی، (۱۳۸۵) تضمین حقوق متهم، بازیابی شده از:

<http://hoqouq.com/themes/iCGstation/style/style.css>

مهرپور، حسین، (۱۳۷۸)، حقوق بشر و راهکارهای اجرای آن، تهران: انتشارات اطلاعات.

مهرپور، حسین، (۱۳۸۳) نظام بین‌المللی حقوق بشر، تهران: انتشارات اطلاعات.

مهرپور، حسین، (۱۳۸۶) حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات اطلاعات.

ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۱)، حبس و توقیف قانونی، مجله قضائی و حقوقی دادگستری، سال دوم، شماره‌ی ششم، زمستان.

ناصر زاده، هوشنگ، (۱۳۷۲)، حقوق فرد بازداشت شده، مجله قضائی و حقوقی دادگستری، سال سوم، شماره هشتم.

هیمن - دوآ، آرت، (۱۳۸۲)، آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، ترجمه یوسف مولایی و رشید برناک، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.

Amnesty international fair trials manual, section A.

www.amnesty.org/ailib/intcam/fairtrial/indxftm-a.htm.

De Villiers, Wium; An accused's right to information in the police docket for purposes of a bail application : S v Green 2006 1 SACR 603 (SCA), **Journal of Contemporary Roman Dutch Law/Tydskrif Vir Hedendaagse Romein-Hollandse Reg**, vol. 70, no. 2, pp. 334-338.

www.up.ac.za/dspace/bitstream/2263/5571/1/Devilliers

Eser, Albin; The Acceleration of Criminal Proceedings and the Rights of the Accused: Comparative Observations as to the Reform of Criminal Procedure in Europe, **Maastricht Journal of European and Comparative Law** 3 (1996), S. 341-369.

www.freidok.uni-freiburg.de/volltexte/3763/pdf/Eser_The_acceleration_of_criminal_proceedings.pdf

G. Hornberger, Jacob; 2005, The Rights of the Accused, June 23,

www.lewrockwell.com/hornberger/hornberger46.html

Garner, Bryan A., 2004, Black's Law Dictionary, United States, West, a Thomson business,.

Thompson, Steve; 2006, Rights of the Accused in Criminal Law, Oct 23, www.associatedcontent.com/article/73695/rights_of_the_accused_in_criminal_law.html?page=2&cat=17

